

بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی

« بر میزان گرایش به جرم زنان سرپرست خانوار منطقه ۳ تهران »

* ابراهیم عزیزیان فام *



فہرست مطالب

عنوان

.....	فصل اول : کلیات
.....	مقدمہ
.....	بیان مسئلہ
.....	ضرورت و اہمیت تحقیق
.....	اهداف تحقیق
.....	سوالات تحقیق
.....	فصل دوم : پیشینہ تحقیق
.....	تحقیقات داخلی
.....	محمد جواد ناطق پور و سید احمد فیروز آبادی
.....	مسعود چلبی و محمد مبارکی
.....	سعید مدنی
.....	بہزاد
.....	رمضانی
.....	تحقیقات خارجی
.....	لدرمن و همکارانش

..... رایت و همکارانش

..... رایت و پاتریک

..... سلمی و کیویوری

..... فرضیه های تحقیق

..... فصل سوم : چهارچوب نظری

..... پیشینه ی نظری تحقیق

..... انواع سرمایه و رابطه ی آن با سرمایه ی اجتماعی

..... سرمایه اجتماعی

..... شکل های سرمایه اجتماعی

..... بورديو

..... جیمز کلمن

..... پاتنام

..... فوکویاما

..... بررسی مفهوم اعتماد

..... چهارچوب نظری

..... نظریه فشار ساختاری

..... نظریه انتقال فرهنگی

..... نظریه تضاد

..... نظریه برچسب

..... نظریه کنترل اجتماعی

..... دیدگاه کلاسیک سرمایه اجتماعی

..... دیدگاههای فمینیستی تبیین انحراف زنان

..... دیدگاه فمینیسم لیبرال (آزادخواه)

..... دیدگاه فمینیستی رادیکال

..... دیدگاه فمینیسم مارکسیسم

..... دیدگاه فمینیست سوسیالیستی

..... دیدگاه فمینیستی پسامدرن

..... جنسیت و جرم

..... جرایم زنان

..... مدل تحقیق

..... فصل چهارم : تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

..... روش تحقیق

..... حجم نمونه

..... روشهای آماری

آمار توصیفی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروههای سنی

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع شغل

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهیانه

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه والدین (طلاق، ازدواج مجدد ، مصرف مشروبات

الکلی ، بیماری یا معلولیت ، سابقه زندان ، اعتیاد).....

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع ازدواج

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پول مورد نیاز طی یک ماه

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجود سایر هزینه های زندگی (مثلاً کلاسهای فوق

برنامه، مدارس غیر انتفاعی).....

جدول : آزمون نرمال داده ها

جدول ۱۲: ضریب همبستگی میان سرمایه اجتماعی با گرایش به اعتیاد

جدول ۱۳: ضریب همبستگی میان اعتماد اجتماعی با گرایش به اعتیاد

جدول ۱۴: ضریب همبستگی میان شبکه اجتماعی با گرایش به اعتیاد.....

جدول ۱۵: ضریب همبستگی میان تعامل با گرایش به روسپیگری.....

جدول ۱۶: ضریب همبستگی میان اعتماد اجتماعی با گرایش به روسپیگری.....

جدول ۱۷: ضریب همبستگی میان شبکه اجتماعی گرایش به روسپیگری.....

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات.....

جمع بندی.....

محدودیت های تحقیق.....

پیشنهادات.....

فهرست منابع بر اساس حروف الفبا.....

فصل اول

کلیات

از بین طیفهای گوناگون اجتماع، زنان سرپرست خانوار از جمله اقشار آسیب پذیر هستند که به دلیل ظرفیت های پایین انطباق با میدان زیستشان و خلاء حمایتی از سمت آبرندهای کوچک نخستین خانواده، چه در سطح هسته ای یا گسترده و نیز فقدان یا ضعف یا گسیختگی رشته های پیوند با گروههای همالان و ثانویه و منابع خرد و میانه و کلان قدرت و در نهایت عدم شناخت توانمندیهای فردی و گروهی و هدفمندی آنها بیش از پیش در معرض آسیبهای اجتماعی و ارتکاب جرائم قرار دارند.

در این میان آنچه که می تواند جای خالی ستونهای خاموش مالی را برای این قشر پر نماید، ستونهای روشن و جاری شبکه های ارتباطی بین فردی و درون گروهی و بین گروهی است که می تواند هم کارکردهای پولی و مالی را دربر گیرد (به صورت مستقیم یا غیرمستقیم) و هم کارکردهای عاطفی، حمایتی، مدیریتی، فرهنگی را. بنابراین مجموعه صنایع بالقوه و بالفعل عمل متقابل، تعهد، اعتماد، وفاداری و هنجارها و ارزشها و ضمانت های اجرایی متقابل می توانند شرایط لازم را جهت به نظم کشیدن زندگی بی پناه این طیف فراهم نمود. در واقع این نوع سرمایه، آسانسور سقوط این قشر در بیراهه هایی با برجسب هویتی نوین تلقی می گردد. اعتماد، یکی از عناصر کلیدی حوزه ی مفهومی سرمایه اجتماعی است. کاربست ستون سازهایی پویا و فراگیر اقتصادی، روانی، اجتماعی، فکری همچون چسب گیرایی موجبات پیوند بازه ای و فرابازه ای بین اتمهای ابرکالبد جامعه گردید. و توان بازتابیشان را در عرصه های خرد و میانه و کلان ارتقاء می دهد. اعتماد در این طیف نیمه لطیف تابلوی سبزی جهت برون رفت از انزوای گزنده و تحریک کننده ی حرکت گام به گام در غرقاب هنجارگریزیهای پی در پی اجتماعیست. نقطه ی آغاز این ستون سازی از درون فرد و به توانمندی های آشکار و تلاش در جهت شناسایی و شناساندن توانمندیهای پنهانشان می باشد و سپس به مرحله ی اعتماد بین شخص و اعتماد تعمیم یافته و نهادی توسعه می یابد و همین ظرفیت الهامی ابتکاریست که حلقه های ارتباطی مانا را در این قشر رقم زده و موجب پس انداز ذخایر سرشار عمیقترین سرمایه ناتمام بشری یعنی سرمایه اجتماعی می شود.

یکی از افشار آسیب پذیر، زنان سرپرست خانوار می باشند که به علت فقدان فیزیکی، روانی، اقتصادی، اعتباری همسر در اشکال فوت، طلاق، توارى، معلولیت و آسیب هایی نظیر اعتیاد، دچا ر آسیب دیدگیهای متنوع رفتاری، اجتماعی می گردند. و نیز اساس شواهد آماری، کسر کثیری از این طیف مهجور التفات به دلیل عدم تامین ضروری ترین نیازهای زندگی حداقلیشان و حس مسئولیت پذیری در جریان فقدان نان آور خانواده، اقدام به یک سلسله جرائم خود- ارجاع و دگر ... ارجاع فردی، گروهی سازمان یافته در اشکال سرقت، قاچاق کالا و فرد، تکدی گری، روسپیگری و خودکشی و خودسوزی و ... می نمایند.

از جمله عواملی که می تواند در کاهش ارتکاب به جرم و یا حتی گرایش به ارتکاب آن در تمامی طیف های اجتماعی و علی الخصوص این طیف نیمه لطیف به عنوان یکی از افشار آسیب پذیر و آسیب دیده موثر واقع افتد، میزان سرمایه ی اجتماعی موجود در میان این گروهها می باشد. بدین صورت که هرچه قدر اعتماد، عمل متقابل، وفاداری و تعهد افراد نسبت به گروه کُند گرفته شان بیشتر باشد، به همان نسبت احتمال روی آوری و ارتکاب انواع جرائم فردی، گروهی جمعی (ساده، مربوط به یقه آبی ها و انتزاعی) و (پیچیده، مربوط به یقه سفیدها) کاهش می یابد.

از میان مولفه های متنوع سرمایه ی اجتماعی بر روی اعتماد تمرکز می نماییم چرا که هم می توان این مفهوم را از پایه های شکل دهنده این ابرسرمایه ناتمام بشری فرض نمود و هم از جمله برآیندهای مرتب بر آن. اعتماد یا ستون سازیهای بنیانین در سطوح خرد و میانه و کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از جمله پایه های هستی- استدلالی قوی در فرایند آشنایی متقابل و پیوندهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و کلید عمق یافته مجموعه گنجینه های ذخایر سرشار ارتباطی جهت بهره برداریهای گسترده فکری، کلامی، مدیریتی، مالی، فرهنگی و در مجموع انسانی می باشد. این عنصر پیش شرط عمده ی کلیدی برای موجودیت هر جامعه ای محسوب می شود و تسهیل کننده ی مبادلات در فضای اجتماعی است. اعتماد بین شخصی در روابط اجتماعی شکل می گیرد و در طول زمان تقویت می شود. لذا کم و

کیف روابط، میزان و نحوه ی تعاملات می تواند در تقوی ت و شکل گیری اعتماد موثر باشد . ساز و کار پیوندهای اجتماعی در شبکه ی روابط غیر رسمی فرد که به عنوان سرمایه اجتماعی شبکه نام برده می شود، طی مکانیسمی به افزایش اعتماد اجتماعی منجر می شود . لذا میزان و گستره روابط و تعاملات در شبکه، در ابعاد ساختی (اندازه و ترکیب شبکه)، تعاملی (فراوانی تماس، صمیمیت) و کارکردی (حمایتها) در ایجاد و تقویت اعتماد تاثیرگذاری خواهند بود (باستانی، کمالی و صالحی ۱۳۸۷: ۱). این ستون سازهایی پلکانی در فعالیتهای گروهی هنجارمند زنان سرپرست خانوار به طور قطع، آسانسور صعود این طیف را تا سطح پذیرش روزمره یا حتی فعال اجتماعی فراهم می نماید.

با مقدمه ای که ذکر گردید در این پژوهش برآنیم تا اثر سرمایه اجتماعی را بر میزان گرایش به جرم زنان سرپرست خانوار استان تهران بررسی نماییم. در این مقاله چهار نوع خاص از جرم را تحت عناوین : جرائم خشونت آمیز، جرائم مالی، جرائم سازمان یافته و جرائم علیه نظم عمومی در خصوص این گروه مورد کنکاش قرار می دهیم . در ابتدا تعریفی مجمل از جرم ارائه می گردد . دورکیم معتقد است : هر عملی که درخور مجازات باشد جرم است. به بیان دیگر هر فعلی که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعریف کرده باشد جرم تلقی می گردد. از نظر سیگل (۲۰۰۱) جرم، زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی، رفتار بست که توسط افرادی که قدرت سیاسی و اجتماعی را در دست دارند، به صورت مجموعه قوانین جنایی تفسیر و بیان گردیده است(ستوده ۱۳۸۶، ۸۸، ۶۵) .

ضرورت و اهمیت تحقیق:

آنچه ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را تبیین می کند به شرح زیر عبارتند از:

۱- توجه به انواع و طبقه بندی جرائم و میزان اثر گذاری مولفه های سرمایه اجتماعی بر باز دارندگی از گرایش به جرم از ضرورت بالایی برخوردار می باشد . جرم از جمله مسائل مبتلا به تمامی اجتماعات شناخته شده بشریست که هیچ جامعه یا سازمان اجتماعی ای نمی توان یافت که در آن جرم واقع نشود . اما این قسم از رفتار، با چارچوب تعاریف هر یک از جوامع، گد می گیرد . ارتکاب به جرم نیز، با توجه جنسیت،

نژاد و پایگاههای اجتماعی، اقتصادی، اکتسابی و انتسابی فرد، صورتهای ویژه ای را به خود اختصاص می دهد. سیکل رایج قواعد اجتماعی، نشانگر آن است که اقشار آسیب پذیر، به صورت متعارف، بیشتر در معرض کژ رفتاریهای فردی، گروهی و سوء استفاده های خرد و میانه و کلان واقع می شوند

گرایش به ارتکاب به جرم مجموعه روزه ها یا حفره های ساختاری در چیدمان بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی، ارگانیک ای می باشد که عاملیت در حال قوام را در شناخت و گزینش الگوهای رفتاری مورد پذیرش فردی- جمعی تحت تاثیر قرارداد و در صورت وزن فردگی ساختی و تکیدگی عامل چرخشی بلامنازع در جبر فضایی به سمت گزینش الگویی خواهد داشت.

۲- عدم تعریف و شناخت همه جانبه طیف مهجورالتحقیق زنان سرپرست خانوار: زنان سرپرست خانوار، یکی از اقشار آسیب پذیر می باشند که به علت فقدان فیزیکی، روانی، اقتصادی، اعتباری همسر در اشکال فوت، طلاق، توار، معلولیت و آسیب هایی نظیر اعتیاد، دچار آسیب دیدگیهای متنوع رفتاری، اجتماعی می گردند.

۳- ضرورت توجه کافی به ظرفیتهای بالقوه و بالفعل سرمایه اجتماعی در ارتباط با بازشناسی و احیای نقش سازنده زنان سرپرست خانوار در کلیت پازل زیست- تقویم اجتماعی: میزان سرمایه ی اجتماعی موجود در میان این گروهها از جمله عواملی است که می تواند در کاهش ارتکاب به جرم و یا حتی گرایش به ارتکاب آن در تمامی طیف های اجتماعی و علی الخصوص این طیف نیمه لطیف به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر و آسیب دیده موثر واقع افتد.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

بررسی اثر میزان سرمایه اجتماعی موجود در زنان سرپرست خانوار بر روی میزان باز داری از گرایش به جرم

اهداف فرعی:

شناسایی وجوه مختلف مقولات سرمایه اجتماعی، و میزان گرایش به جرم در طیف زنان سرپرست خانوار.

ارائه دسته بندی های مربوط به جرم و بررسی اثر باز دارندگی مولفه های سرمایه اجتماعی بر آن.

بررسی اثر میزان کمیت ارتباطی در بازدارندگی از گرایش به جرم.

بررسی اثر میزان کیفیت ارتباطی در بازدارندگی از گرایش به جرم.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

به چه میزان سرمایه اجتماعی موجود در زنان سرپرست خانوار باز دارنده ی برجسته ای در خصوص عدم

گرایش به جرم در این طیف به شمار می رود؟

سوالات فرعی:

کدام یک از مولف های سرمایه اجتماعی توان باز دارندگی بیشتری از گرایش به جرم را در خصوص زنان

سرپرست خانوار دارا می باشند؟

به چه میزان کمیت ارتباطی توان باز دارندگی از گرایش به جرم را دارا می باشد؟

به چه میزان کیفیت ارتباطی توان باز دارندگی از گرایش به جرم را دارا می باشد؟

کمیت ارتباطی در این سرمایه توان باز دارندگی بالاتری را نشان می دهد یا کیفیت ارتباطی؟

فصل دوم

پیشینه تحقیق

(تحقیقات داخلی) :

محمد جواد ناطق پور و سید احمد فیروز آبادی :

در مقاله ای تحت عنوان شکل گیری سرمایه ی اجتماعی و فر تحلیل عوامل موثر بر آن به بررسی مفهوم و نظریه های شکل گیری سرمایه ی اجتماعی پرداخته اند و با روش فرا تحلیل تعدادی از پژوهش های انجام شده در مورد سرمایه ی اجتماعی در ایوان بررسی کرده اند . یافته های این پژوهش نشان می دهد که متغیرهای سن، تحصیلات، تءهل، شاغل بودن و در آمد به جز با عناصر اعتماد با سایر عناصر سرمایه ی اجتماعی اعم از آگاهی و توجه به امور عمومی اعتماد، مشارکت های رسمی و غیر رسمی رابطه ی مستقیم دارد. و مردان در آگاهی و توجه به امور عمومی و مشارکت رسمی نقش بیشتری نسبت به زنان دارد و در میزان اعتماد، تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی شود(ناطق پور و همکاران، ۱۳۸۲).

مسعود چلبی و محمد مبارکی :

در مقاله خود به تحلیل رابطه ی سرمایه ی اجتماعی و جرم پرداخته اند . مفهوم سرمایه ی اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی موضوعات و مسائل مطرح در حوزه ی انسانی و اجتماعی از جمله حوزه ی آسیب های اجتماعی و به خصوص جرم ارتباط پیدا می کند با توجه به این دثیرات متقابل، هدف تحقیق حاضر بررسی و شناسایی رابطه ی بین سرمایه ۳۲۰ نفر از افراد عادی بالای ۱۸ سال شهر تهران و مجرمان زندان های اوین، رجایی شهر و ورامین . قسمت دوم تحقیق در سطح بین المللی و به صورت تحلیل ثانویه بوده و مقطع زمانی خاص (۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹) را شامل می شود. برای تحلیل داده ها از رگسیون، چند متغیره، رگسیون لوحستیک و مدل سازی معادلات ساختاری استفاد ه شده است . یافته ها نشان می دهند که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد، بین سرمایه ی اجتماعی و جرم رابطه منفی و معنا داری وجود دارد(مبارکی، ۱۳۷۹).

در مقاله ی خود به پیامدهای تخریب سرمایه ی اجتماعی پرداخته است . تخریب سرمایه ی اجتماعی اگر چه همه جمعیت کشور را در برابر آثار سوء قرار می دهد اما پیامدهای منفی آن به دلایلی زنان را بیشتر از مردان تهدید می کند . یکی از روش های سنجش وضعیت سرمایه ی اجتماعی، بررسی روند مشکلات اجتماعی جامعه است. طی سالهای اخیر مطالعات بسیاری روند فرایندها برخی از این مشکلات را در جامعه ی ایران گزارش کرده اند. این مقاله مبتنی بر یافته های پژوهش علمی به دو نکته می پردازد : نخست اینکه دسته ای از آسیب های اجتماعی که عموماً در ایران الگوی زنانه داشته اند (نظیر روپیشگیری) در سالهای اخیر روند نسبتاً فرایندها ی را نشان می دهد و دیگر این که دسته ای از آسیب های اجتماعی که عموماً در ایران الگوی مردانه داشته اند (نظیر اعتیاد و قتل) به تدریج سهمی را نیز به زنان اختصاص داده اند که این سهم طی سال های اخیر افزایش یافته است. علاوه بر این بیشتر اختلالات روانی در میان زنان در مقایسه با مردان نشان ده نده ی تأثیرات مضاعف نا بسامانی ها درصد قابل توجهی از جوانان پاسخگو در این تحقیق عضو گروه های نوع اول بودند . این نشان می دهد که سرمایه ی اجتماعی در میان جوانان استان تهران بیشتر از نوع پیوند دهنده است.

وجود سرمایه ی اجتماعی از نوع پیوند دهنده است. الزاماً به معنی وجود سرمایه ی اجتماعی در سطح کل جامعه نیست آنچه که برای افزایش سرمایه ی اجتماعی در کل جامعه ضروری به نظر می آید . سرمایه اجتماعی متصل کننده است که به نظر نمی رسد جوانان استان تهران از سطح بالایی از آن برخوردار باشند. اعتماد مهم ترین مولفه ی سرمایه ی اجتماعی است بر اساس این تحقیق فقط حدود ۲۱ درصد از جوانان پاسخگو اکثر مردم را قابل اعتماد می دانستند. این در حالی است که بیش از ۹۴ درصد این افراد به خانواده ی خود اعتماد کامل را ابراز داشتند . نکته مهم دیگر اینکه با افزایش سطح تحصیلات افراد از میزان اعتماد آنان به گروه های و اقشار مختلف جامعه کاسته می شود . بیشترین میزان اعتماد در میان افراد دیده می شود که در جامعه خود را موفق می دانند بر اساس یافته های تحقیق، بیشترین میزان اعتماد در بین جوانان استان تهران : به پزشکان، معلمان و ورزشکاران و اساتید دانشگاه است و کمترین میزان اعتماد به

بازاریان، سیاست مداران، مدیران سازمان های دولتی، رانندگان و نمایندگان مجلس می باشند . (شارع پور،

(۱۳۸۲

بهزاد (۱۳۸۴) :

مقاله ای را تحت عنوان تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی ارائه داده است. این مقاله با تکیه بر آراء اندیشمندان سرمایه اجتماعی، از جمله کاکس که سرمایه ی اجتماعی را به عنوان نوعی چسب اجتماعی، تار پود ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت، استفاده کرده است. وی به بررسی عناصر اصلی این مفهوم اعم از کش متقابل، احساس تعلق، اعتماد، تعهد و رویکردهایی هم چون م قنادر سازی و حیاتی پیوند دهنده در یک چارچوب نظری مرتبط با بحث آسیب های اجتماعی پرداخته که در قالب یک مدل فرضی امکان بررسی تجربی آسیب های اجتماعی را فراهم آورده است. (بهزاد، ۱۳۸۴)

رمضانی (۱۳۸۶) :

در پایان نامه ی خود تحت عنوان بررسی رابطه ی بین سرمایه ی اجتماعی و شدت جرم به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته است. و شیوه گرد آوری داده ها بصورت پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفته و در چارچوب نظری از نظریات پاتنام استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داده اند که سرمایه ی اجتماعی با شدت جرم رابطه ی منفی معنا دار وضعیفی دارد.

همچنین یافته های حاکی از آن است که از بین مولفه های سرمایه اجتماعی اعتدادهایی اعتماد تعمیم یافته، پیوند های خانوادگی و دوستی، دارای رابطه ای منفی معنا دار وضعیفی با شدت جرم می باشد و مولفه های دیگر سرمایه اجتماعی رابطه ی معنا داری با شدت جرم ندارد (رمضانی، ۱۳۸۶)

(تحقیقات خارجی):

لدرمن و همکارانش (۱۹۹۹) :

در تحقیقی بطور تجربی تاثیرات برخی معرف های سرمایه اجتماعی از قبیل گسترش اعتماد در بین اعضای جامعه و مشارکت در سازمان های مذهبی و غیر مذهبی داوطلبانه را بر وقوع جرم های خشونت آمیز بررسی کردند. در این مطالعه شامل ۳۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه می باشد، انواع تاثیرات سرمایه اجتماعی بر روی وقوع جرم های خشونت آمیز مورد بحث قرار گرفته است. متغیر وابسته در این تحقیق میزان قتل عمد می باشد، آن ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که از بین مولفه های سرمایه اجتماعی تنها اعتماد به اعضای جامعه بر کاهش وقوع جرم خشونت آمیز تأثیر دارد.

نتایج مربوط به سنجش دیگر مولفه های سرمایه اجتماعی بیشتر واضح می باشد. به نظر آن ها دلیل این امر ممکن است به دلیل ترکیبی از نمونه های محدود شده، ناتوانی نسبت به کنترل کامل روابط علی و به احتمال بیشتر به خاطر تأثیر متضادی باشد که سرمایه اجتماعی کل جامعه و گروه های خاص ممکن است بر روی جرم خشونت آمیز داشته باشد. در نهایت آن ها میزان معنا داری و تاثیرات نیرومند نابرابری در آمد و رشد اقتصادی را بر وقوع جرم خشونت آمیز مورد توجه قرار دارند و به این نتیجه رسیدند که هم کاهش در نابرابری و هم افزایش در رشد اقتصادی منجر به پایین آمدن میزان جرم خشونت آمیز می شود. آنها دریافتند که این نتایج نسبت به نتایج متغیر های سرمایه اجتماعی قویتر است چرا که نمی توان استدلال نمود که افزایش جرم تحت تأثیر نابرابری درآمد فقط به خاطر تأثیر منفی آن بر روی سرمایه اجتماعی است. بلکه نابرابری درآمد و رشد اقتصادی تاثیرات مستقل و قوی بر روی جرم های خشونت آمیز دارد.

رایت و همکارانش (۲۰۰۱):

رابطه ی بین سرمایه اجتماعی خانواده و رفتار بزهکارانه را بررسی کرده اند، داده های اولیه آنان از پیمایش ملی جوانان (N2S) استخراج شده است. سن پاسخگویان ۱۱ تا ۲۴ سال می باشد. با استفاده از نظریه لکمن یافته های آنان نشان می دهد که سرمایه اجتماعی خانوادگی در طول زمان میزان بزهکاری را کاهش می دهد و تاثیرات بد رفتاری را تعدیل می کند.

همچنین والدین بر حسب مدت زمان صرف شده و میزان توجه آنان احتمال ارتکاب رفتارهای بزهکارانه و جامعه پذیری توسط هم سالان بزهکار را کاهش می دهد . آن ها همچنین نشان داده اند که سرمایه ی اجتماعی خانواده کنش متقابل و سطح وظایف را افزایش می دهد و اساسی را برای کنترل اجتماعی غیر رسمی فراهم می سازد.

رایت و پاتریک (۲۰۰۶) :

مطالعه ای را تحت عنوان سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت آمیز نوجوانان و همبستگی بین نزاع و استفاده از اسلحه در میان دانش آموزان مدرسه انجام دادند که به بررسی رابطه بین سرمایه ی اجتماعی و رفتارهای خشونت آمیز نوجوانان در یک نمونه ملی از دانش آموزان دبیرستان می پردازد (تعداد ۴۸۳۴ نفر). برای ارزیابی مدلهای چند متغیری که رابطه ی خانواده، مدرسه و محله را با رفتارهای خشن بررسی می کند از داده های مقطعی مربوط به مطالعات طوسی ملی ، درباره ی سلامت نوجوانان استفاده شده است . نتایج تحقیق نشان دهنده اهمیت سرمایه ی اجتماعی به مثابه منابع مهمی می باشد که پیامدهای خشونت و مخصوصاً روابط والدین، فرزندان و دل بستگی به مدرسه را تعدیل می کند . اگر چه فرض بر این است که نتایج چیز دیگری را نشان داده است.

سلمی و کیوبوری (۲۰۰۶) :

در مقاله ی خود تحت عنوان همبستگی بین سرمایه اجتماعی و جرم جوانان (نقش شاخص های فردی و ساختاری) با کنترل شاخص های سطح فردی و ساختاری سرمایه اجتماعی به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته اند. این تحقیق در یک نمونه ۵۱۴۲ نفره از نوجوانان ۱۶-۱۵ ساله انجام گرفته است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می دهد هنگامی که متغیرهای سطح فردی و ساختاری (مثل خود کنترلی) کنترل شده باشد پایین بودن حمایت از سمت والدین افزایش می یابد.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان ارتکاب به جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۲- میزان کیفیت ارتباطی بیشتر از کمیت ارتباطی در سرمایه اجتماعی بر میزان ارتکاب به جرم موثر است.
- ۳- بین هر یک از مولفه های سرمایه اجتماعی و نوع جرم ارتكابی ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۴- بین مولفه های سرمایه اجتماعی و نوع باز داریهای عینی و ذهنی از جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

فصل سوم

چارچوب نظری

تعریف سرمایه :

سرمایه ثروتی است مولد درآمد یا منبعی که شخص می تواند جهت ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر به کار برد. در اقتصاد سیاسی مارکس، سرمایه به عنوان کار حجیم یا انباشته تعریف می شود که در مناسبات اجتماعی ایجاد شده و برای انباشت بیشتر سرمایه به کار گرفته شده است. بورديو نیز سرمایه را کار انباشته شده تعریف می کند. دریافت بورديو از سرمایه وسیعتر از معنای پول و سرمایه در اقتصاد است. سرمایه یک منبع عام است که می تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود گیرد. بنابر این به نظر بورديو سرمایه همان منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد، به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۱).

به نظر آلبروا : اندیشه ای که بر پس مفهوم اصلی سرمایه نهفته است، حتی در معنای مالی اولیه اش مفهومی ارزشی است که می تواند اساس ارزشهای آینده باشد. وقتی واژه ی سرمایه را در عرصه های دیگر به کار می بریم، چیز دیرپا یا ماندگار را می سازد و این سرمایه همچنین رساننده چیزی است که هویت خود را حتی پس از استفاده مکرر حفظ می کند، پرسشهایی که طبیعتاً درباره ی دیگر شکل‌های سرمایه پیش می آید عبارتند از اینکه چه خدماتی از طریق سرمایه حاصل می شود؟ خدمات سرمایه چگونه اندازه گیری و ارزیابی می شود؟ چه کسی سرمایه را کنترل می کند، یا سرمایه کجا قرار می گیرد؟ (آلبروا، ۱۳۸۰).

انواع سرمایه و رابطه ی آن با سرمایه ی اجتماعی:

انواع مختلف سرمایه عبارتند از:

۱. سرمایه فیزیکی مثل ماشین آلات، تجهیزات و مانند آن (شارع پور، ۱۳۸۳).
۲. سرمایه ی مالی به درآمد پول و همچنین دیگر منابع و دارایی های مالی گفته می شود و تظاهر نهادینه اش را در حقوق مالکیت می یابد، مثلاً پول و اشیای مادی که می توان برای تولید و خدمات به کار برد

(ترنر، ۱۹۹۸: ۹۳۴). شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است، مانند داراییهای منقول و ثابت یک سازمان (انصاری، ۱۳۸۳).

۳. سرمایه ی طبیعی: مثل خاک، آب، معادن و دیگر منابع طبیعی (شارع پور، ۱۳۸۳).

۴. سرمایه ی انسانی شکل دیگر سرمایه است، سرمایه ی انسانی یک مفهوم اقتصادی است. ویژگیهای کیفی انسان اعم از آموزش، تخصص، مهارت، داشتن خلاقیت، دانش و نوآوری، عموماً نوعی سرمایه به شمار می رود. به عبارت دیگر، سرمایه انسانی را می توان ارتقاء و بهبود ظرفیت تولیدی افراد جامعه نامید (علوی راد و نصیر زاده، ۱۳۸۰).

۵. سرمایه ی فرهنگی: به شکل‌های مختلفی وجود دارد، شامل تمایلات و عادات دیرین که در فرآیند جامعه پذیری، انباشت اشیای فرهنگی باارزش مثل نقاشی و صلاحیتهای تحصیلی و آموزش رسمی حاصل آمده است. ترنر در تعریفی دیگر، سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عاداتها، منشها، شیوه های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه ها و شیوه های زندگی که به طور غیر رسمی بین افراد شایع است تعریف می کند (ترنر، ۱۹۹۸: ۹۳۴). کالینز سرمایه ی فرهنگی را شامل منابعی نظیر مکالمات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه زبانی انواع خاص دانش و مهارت، حق ویژه ی تصمیم گیری و حق دریافت احترام می داند. به عبارتی سرمایه ی فرهنگی، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد، مانند تحصیلات عالییه اعضای سازمان، که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه ی اقتصادی است (انصاری، ۱۳۸۳: ۲). به عبارت دیگر آشنایی با فرهنگ جامعه توانایی فهم آن و استفاده از آن می باشد (شارع پور، ۱۳۸۳).

۶. سرمایه ی اجتماعی: مجموعه منابع بالقوه که با عضویت در شبکه های اجتماعی کنشگران و سازمانها به وجود می آید به عبارتی شامل روابط مبتنی بر اعتماد و بده بستان (معامله به مثل) در شبکه های اجتماعی است. (همان). سرمایه ی اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. از نظر بورديو سرمایه ی اجتماعی در ممالک

سرمایه داری به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می رود. در این ممالک سرمایه ی اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن به شمار می رود. می توان نتیجه گرفت که دیدگاه بورديو در زمینه ی سرمایه ی اجتماعی، تنها یک دیدگاه ابزاری است، پس اگر سرمایه ی اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه ی اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (انصاری، ۱۳۸۳).

۷. سرمایه ی نمادین: استونر و ترنر به نوع دیگری از سرمایه به نام سرمایه ی نمادین اشاره می کنند که با استفاده از سمبل ها برای مشروعیت بخشیدن، به تعریف سطوح و گونه های متغیری از سه نوع سرمایه ی یاد شده می انجامد (ترنر، همان). این شکل های مختلف سرمایه کاملاً مستقل از یکدیگر نیستند بلکه به یکدیگر وابستگی متقابل داشته و تقویت کننده ی یکدیگرند. برای نمونه سرمایه ی اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در شکل گیری سرمایه ی انسانی دارد و همچنین برعکس این مسأله نیز صادق است. در یک نظام اجتماعی بخش های مختلف چون بخش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با سرمایه ی اجتماعی در ارتباط هستند به نحوی که بود و نبود آنها به نوعی وابسته به میزان سرمایه ی اجتماعی در جامعه است. البته سرمایه ی اجتماعی نیز به نوبه ی خود به دیگر سرمایه ها وابسته است. به این ترتیب سرمایه ی اجتماعی مستلزم وجود حداقلی از سرمایه های دیگر است. بدیهی است که حداقلی از امکانات اقتصادی نیاز است تا خانواده بتواند به مسائل جمعی بپردازد. یا در جامعه مکانه ایی برای گردهمایی عمومی و ملاقات افراد با یکدیگر فراهم شود. زمانی که جامعه نتواند حداقل نیازهای اساسی خود را تأمین کند در نتیجه نمی تواند در کنار وجود سرمایه اقتصادی به شکل گیری بیشتر سرمایه های انسانی نیز کمک کند. همان طور که سرمایه ی انسانی نیز تقویت کننده ی سرمایه ی اجتماعی است. اساساً سرمایه ها قابلیت تبدیل و تبادل دارند یعنی در ارتباط متقابل، تقویت سرمایه اقتصادی به تقویت سرمایه ی اجتماعی و فرهنگی کمک می کند و این سرمایه ها به نوبه خود سرمایه ی انسانی را می سازند. در این راستا هر یک از این بخشها به تقویت بخش دیگر و در پی آن به انباشت خود کمک می کند، البته به وجود آمدن سرمایه ی اجتماعی به نسبت دیگر سرمایه ها مستلزم زمان بیشتری است، در صورتی که از دست دادن آن به سادگی صورت می گیرد، به نحوی که تخریب آن از انباشت آن ساده تر می باشد. پس می توان گفت که

سرمایه‌ی اجتماعی با سرمایه‌ی اقتصادی و انسانی مرتبط است. به سرمایه‌ی اجتماعی معمولاً به عنوان ویژگی مربوط به اجتماع نگریسته می‌شود در حالی که سرمایه‌ی انسانی را ویژگی افراد می‌دانند که شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانش می‌شود. سرمایه‌ی فرهنگی نیز به عنوان یکی از ابعاد سرمایه‌ی انسانی تلقی می‌شود، امری که فرد می‌تواند در طول زمان از طریق استعداد، آموزشها، مهارت‌ها و مشارکت در فعالیتهای فرهنگی به انباشت و تراکم آنها بپردازد. برخی از محققان مانند گولد (۲۰۰۱) سرمایه‌ی فرهنگی را نوعی سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند و به این معنی که وقتی افراد یک اجتماع به انجام فعالیتهای فرهنگی می‌پردازند، روابط و شبکه‌های موجود را تقویت می‌کنند. پاتنام نیز در کتاب بولینگ تک نفره معتقد است که سرمایه‌ی انسانی مربوط به فرد می‌شود در حالی که سرمایه‌ی اجتماعی مربوط به ارتباطات بین افراد و شبکه‌ها و هنجار معامله به مثل، ناشی از این شبکه‌ها است. از این رو ویژگی ذاتی سرمایه‌ی اجتماعی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر پورترس (۱۹۹۸) در حالی که سرمایه‌ی اقتصادی در حساب بانکی افراد و سرمایه‌ی انسانی در درون سر افراد قرار دارد، سرمایه‌ی اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی فرد بایستی با دیگران رابطه داشته باشد و در واقع همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداری افراد از مزایا و امتیازات می‌باشند. خلاصه این‌که همسانی سرمایه‌ی اجتماعی با دیگر انواع سرمایه در این است که این سرمایه نیز نوعی موجودی انباشته شده است که مستلزم سرمایه‌گذاری است و از این سرمایه‌گذاری نیز منافع و عوایدی حاصل می‌شود. اما سرمایه‌ی اجتماعی با دیگر انواع سرمایه از نظر سیاست، قابلیت تبدیل، فرسایش و تورم متفاوت است. سرمایه‌ی اقتصادی سیال‌تر است و به آسانی به سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود و در مقابل، قابلیت تبدیل سرمایه‌ی اجتماعی به سرمایه‌ی فرهنگی پرهزینه‌تر است. سرمایه‌ی اجتماعی سیالیت کمتری دارد و در معرض فرسایش قرار می‌گیرد. با اینکه تبدیل سرمایه‌ی اجتماعی به فرهنگی دشوارتر است، تبدیل سرمایه‌ی فرهنگی به اجتماعی آسانتر صورت می‌گیرد (شارع پور، ۱۳۸۳).

تاریخچه‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی :

بحث سرمایه‌ی اجتماعی در سال ۱۹۱۹ در مقاله‌ی توسط هایتن از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد. وی یک تصویر اجمالی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داد که بیشتر متوجه ابعاد انسانی و تربیتی این واژه بود. اما با وجود اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ میلادی که توسط جین جاکوب در اثرش به نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (فوکویاما، ۱۳۷۹) در برنامه ریزی شهری به کار برده شده شکل جدی به خود نگرفت. به اعتقاد او برای یک شهر، شبکه‌ها، نقش سرمایه اجتماعی را دارند. جین جاکوب، سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهر در ارتباط با حفظ نظافت، ن بودن جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی، پلیس و نیروی انتظامی مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. سپس این مفهوم در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفت، ولی در واقع این جیمز کلین و تحقیق او در زمینه‌ی مشارکت در امور مدرسه در شهر شیکاگو بود که سبب جلب توجه امروزی به این مفهوم شد، سپس بورديو و بعد در دهه‌ی ۱۹۹۰ پاتنام، از این مفهوم برای مطالعه‌ی نهادهای دموکراتیک در ایتالیا استفاده کردند (شارع پور، ۱۳۸۳). پس می‌توان گفت که مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از دهه‌ی ۱۹۲۰ مطرح شد، ولی در طی سال‌های اخیر بود که به شدت مورد توجه قرار گرفته است. پیش از سال ۱۹۸۱ تعداد مقالات و مجلات علمی که در فهرست کلمات کلیدی آنها نام سرمایه‌ی اجتماعی وجود داشت، فقط حدود ۲۰ مقاله بود. بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ این تعداد به ۱۰۹ مقاله رسید و بین سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ این تعداد به ۱۰۰۳ مقاله افزایش یافت).

سرمایه اجتماعی :

در کاربرد لوری، سرمایه اجتماعی، مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. این منابع برای افراد مختلف متفاوت است و میتواند مزیت مهمی برای کودکان و نوجوانان در رشد سرمایه انسانی شان باشد. شناخت جانبداری فردگرایانه که افرادی نظیر هابز، آدام اسمیت و ... در اقتصاد نئوکلاسیک وارد کرده

بودند بعضی اقتصاددانان را برآن داشت تا به تعدی ل آن برخیزند . لوری مفهوم سرمایه اجتماعی را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه ی سرمایه انسانی وارد اقتصاد کرد .

به عقیده کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می شود . سرمایه اجتماعی شی ء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونیست که دو وی ژگی مشترک دارند : ۱. همه آنها شامل جنبه هایی از یک ساخت اجتماعی هستند و کنشهای معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می کنند . این شکل از سرمایه مانند شکلهای دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدفهای معینی را که در نبود ن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می سازد .

سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست اما نسبت به فعالیت بخصوصی تعویض پذیر است . شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنشهای معینی ارزشمند است ممکن است برای کنشهای دیگر بی فایده و حتی زیانمند باشد . سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد . سازمان اجتماعی سرمایه اجتماعی را بوجود می آورد و دستیابی به هدفهایی را که در نبود آن نمی توانست بدست آید یا با هزینه های زیادتری ممکن بود به دست آید تسهیل می کند (همان : ۶۴-۴۵۸) .

شکلهای سرمایه اجتماعی :

کلمن در مقاله خود درباره سرمایه اجتماعی و انسانی روابط را تشکیل دهند ه ی منابع سرمایه از طریق ایجاد تعهدات و انتظارات بین کنشگران ، اعتمادسازی در محیط اجتماعی ، باز کردن کانال هایی برای اطلاعات و تنظیم هنجارهایی که اشکال خاصی از رفتار را تضمین می کنند ، تعریف می نماید ضمن اینکه ضمانتهایی را سواری گیران مجانی تحمیل می نمایند (کلمن ، ۸۹-۱۹۸۸ : ۴-۱۰۲) . ایجاد آن از طریق فروبستگی بین شبکه های مختلف کنشگران ، از طریق ثبات و از طریق یک ایدئولوژی مشترک و عمومی تسهیل می شود . (کلمن ، ۱۹۹۴ : ۸-۱۰۴ و ۴-۱۰۲) .

کلمن، فروبستگی یعنی وجود روابط تقویت کننده متقابل بین کنشگران مختلف و نهادها را نه تنها ضرورتی برای بازپرداخت الزامها بلکه ضرورتی برای تحمیل ضمانتها مورد توجه قرار می دهد. (کلمن، ۱۹۹۰؛ ۳۳۴).
(تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی پلی بین فرد و جمع ایجاد نمود. او مسلماً سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فرد در نظر می گیرد اما آن را ساخته منابع ساختاری اجتماعی می داند. (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۰۲).

در تعیین کاربردی بودن منابع در عمل کلمن دو عنصر را دارای نقش حیاتی می بیند: ۱. میزان واقعی تعهدات موجود ۲. میزان اعتماد موجود در محیط اجتماعی به نظر کلمن یک نوع شناسی از عوامل بهبود دهنده توسعه سرمایه اجتماعی از جمله فروبستگی سبک یا آمادگی فرهنگی برای درخواست یا پیشنهاد کمک و عواملی که در پی تحلیل آن هستند، از جمله نفوذ و نظامهای رفاهی قابل طرح می باشند. (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۶) وی معتقد است که سرمایه اجتماعی از طریق محاسبه عقلانی کنشگران برای سرمایه گذاری در آن شکل نمی گیرد بلکه محصول جانبی فعالیتهای درگیر با سایر مقاصد است (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۱۲).
در دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی و نه یک کالای خصوصی در نظر گرفته می شد (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۱۲).

به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می شود یک هستی منفرد نیست بلکه تنوعی از هستی های متفاوتی است که دارای دو خصوصیت مشترک هستند: ۱. همگی دارای وجوهی از یک ساختار اجتماعی هستند و همگی کنشهای خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می کنند. (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۰۲)
(کلمن براین باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده بیش از سایرین، انتخاب کنشهای افراد را تسهیل می کنند. به عقیده وی اضمحلال خانواده و سایر اشکال سازمان بدی و منجر به انتقال مسئولیت جامعه پذیر ی اولیه به سازمان های ساخته شده ای از قبیل مدارس شده است که نهایتاً باعث فرسایش بلند مدت سرمایه اجتماعی که کارکرد جامعه به آن وابسته شده است می گردد. (کلمن، ۱۹۹۱: ۹)

در مجموع کلمن تمایل زیادی بر تاکید بر نقش پیوندهای نزدیک و متراکم و کم اهمیت تر جلوه داد. ن پیوندهای ضعیف و سست داشته است (پورتس ، ۱۹۹۸ : ۵) در بعد مقایسه سرمایه اجتماعی از دید کلمن و بورديو می توان گفت که برخورد بورديو نسبت به سرمایه اجتماعی تا حدی دور انیست و وی آنرا جهت حفظ و افزایش موقعیت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی افراد مرفه با استفاده از اتصالاتشان با سایر افراد می داند . در حالی که کلمن ارزش اتصالات را برای تمام کنشگران فردی و جمعی مرفه و غیر مرفه مورد توجه قرار می دهد . در خصوص مضر بودن یا مفید بودن سرمایه اجتماعی برای همه افراد یا نسبت مثبت و منفی آن با طبقات اجتماعی کلمن معتقد است که به عنوان یک کالای عمومی در کارکردش بدون خطر بوده و دسته ای از هنجارها و ضمانتها را فراهم می آورد که افراد را قادر به همکاری برای منفعت متقابل می سازد در حالیکه بورديو این نوع سرمایه را برای افراد محروم مضر و برای افراد غنی مفید ارزیابی می کند.

شبهات بورديو و کلمن در بحث سرمایه اجتماعی این است که هر دو نفر آن را به عنوان منبعی جهت موفقیت آموزشی در نظر می گیرند و نیز تعاملات اجتماعی را اساسا به عنوان شکلی از مبادله می نگرند اما باز تفاوتی که در این خصوص با یکدیگر دارند اینست که کلمن معتقد است این مبادله منجر به انتخاب منطقی می شود اما به نظر بورديو این مطلب پایه ماتریالیسم فرهنگی را تشکیل میدهد . (فیلد ، ۱۳۸۶ : ۴۸-۵۰). نقاط قوت نظریه کلمن عبارتند از : ۱. تلاش بلند پروازانه اش جهت ادغام سرمایه اجتماعی در یک نظریه گسترده تر که ریشه در ساختارهای اجتماعی دارد . ۲. تصدیق این مطلب که سرمایه اجتماعی می تواند دارایی گروههای اجتماعی محروم هم باشد و صرفا ابزاری برای مرفهین نیست . ۳. علاقه ی او به حرکت و پویایی شبکه های اجتماعی (همان : ۵۱)

تعهدات و انتظارات :

در این بخش کلمن با آوردن مثالی (این مولفه سرمایه اجتماعی را توجیه می کند) اگر الف برای ب کاری را انجام دهد روی این حساب که ب نیز آنرا در آینده جبران می کند . این امر انتظاری را در فرد الف و تعهدی را در فرد ب جهت حفظ اعتماد ایجاد می کند . که این وضعیت مانند برگه ای اعتباری در دست فرد الف

است که این برگه های باز خرید شده در جوامع ارگانیکی و پیچیده امر وزی بسیار کمتر باطل می شود تا جوامع مکانیکی دو عامل برای این شکل از سرمایه اجتماعی حیاتیست : ۱. میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی که به این معناست که تعهدات باز پرداخت خواهند شد . و میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است .

تفاوت در ساختارهای اجتماعی از جهت میزان تعهدات به دلائل گوناگونی پدیدار می شود. این دلائل علاوه بر سطح کل قابلیت اعتماد که منجر به جبران تعهدات می شود ، نیازهای واقعی افراد را برای کمک در بر می گیرد ، وجود منابع دیگر (مانند خدمات رفاهی دولتی) ، میزان وفور و فراوانی (که مقدار کمک مورد نیاز دیگران را کاهش می دهد) ، تفاوت های فرهنگی در گرایش به دادن کمک و تقاضای کمک ، میزان بستگی شبکه های اجتماعی ، لژستیک ارتباطات اجتماعی ، و عوامل دیگر را دربر می گیرند .

افراد در ساختارهای اجتماعی که در هر زمان تعهدات پرداخت نشده زیاد است ، صرف نظر از اینکه منبع آن تعهدات چیست ، سرمایه اجتماعی بیشتری دارند که می توانند از آن استفاده کنند . تراکم تعهدات پرداخت نشده ، در واقع به این معناست که فایده کلی منابع محسوس که کنشگران در آن ساختار اجتماعی دارند با دسترس پذیری کنشگران دیگر به آنها ، بهنگام نیاز افزایش می یابد . کلمن معتقد است که وجود ناقربینی در سیستم انتظارات و تعهدات و در واقع داشتن مقدار زیادی از برگه های اعتباری موجبات فریبگی مانوری در ساختارهای متمایز و پیچیده اجتماعی را برای شخص در سطوح خرد و میانه و کلان خواهد شد .

کلمن در زمینه ی این پرسش که چرا کنشگران عقلانی تعهد به وجود می آورند پاسخ می دهد که یک کنشگر عاقل در یک زمان ممکن کمکی را به صورت مختلف (خدمات یا کالایی ، پولی) به شخصی که کمک گیرنده است انجام می دهد تا آنکه بتواند در زمانی که واقعا به شدت به کمک نیازمند است مابه ازای آن و یا حتی چند برابر آنرا دریافت کند (کمکی کم هزینه به کمک گیرنده ما به ازای تعهد کمکی پر هزینه) و همین کنشگر عاقل ، کمکی را در زمانی که کمک گیرنده چندان نیازی به آن کمک ندارد به وی ارائه می

دهد (کمکی ساده و کم هزینه) و در عوض زمانی که به شدت نیازمند است کمک پر هزینه ای را می طلبد .
(همان : ۴۶۷-۴۷۴) .

ظرفیت بالقوه اطلاعات :

یک شکل مهم سرمایه اجتماعی ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جز ذاتی و جدایی ناپذیری از روابط اجتماعی است . اطلاعات در فراهم ساختن شالوده ای برای کنش مهم است . اما به دست آوردن اطلاعات پرهزینه است . کمترین چیزی که برای کسب اطلاعات لازم داریم توجه است که همیشه اندک است . یکی از وسایلی که از طریق آن اطلاعات ممکن است کسب شود ، استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگر حفظ می شود (همان : ۵-۴۷۴) .

هنجارها و ضمانتهای اجرایی موثر :

هنجارهای موثر می توانند شکل قدرتمندی از سرمایه اجتماعی را تشکیل ده ند اما این نوع از سرمایه اجتماعی نه تنها کنشهای معینی را تسهیل می کند بلکه همچنین کنشهای دیگری را محدود می کند . در برخی از موارد هنجارها درونی می شود ، در موارد دیگر از طریق پاداشهای خارجی برای کنشهای بر خی از منافع شخصی و تایید نکردن کنشهای خودخواهانه ، تا اندازه زیادی تقویت می شود . اما این گونه هنجارها خواه با ضمانتهای اجرایی درونی ، خواه ضمانتهای اجرایی بیرونی حمایت شود در حل مشکل منفعت عمومی که در جمعیتهای بهم پیوسته وجود دارد مهم است . (همان ۶-۴۷۵) .

روابط اقتدار :

بدین معنا می باشد که عده ای کنشگر ح قوق کنترل بر کنشهای معینی را به کنشگر خاص انتقال دهند . در این صورت این کنشگر خاص مقدار زیادی سرمایه اجتماعی در اختیار دارد که می تواند بر فعالیت های معینی تمرکز کند .

اشکال سرمایه اجتماعی از دیدگاه مایکل و ولکوک:

مایکل وولکوک معتقد به سه نوع سرمایه اجتماعی می باشد الف : سرمایه اجتماعی درون گروهی که پیوندهای بین افراد مشابه در موقعیت های مشابه از جمله خانواده هسته ای ، دوستان نزدیک و همسایگان را پوشش می دهد. ب : سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده که پیوندهای دورتر و پرفاصله تر افراد مشابه را فرا می گیرد از جمله دوستی و همکاریهای سطحی . ج: سرمایه اجتماعی پیوند که به افراد غیر مشابه در موقعیتهای غیر مشابه می رسد ، از جمله کسانی که کاملاً خارج از اجتماع هستند و به این طریق اعضا را قادر می سازد تا بر منابعی با دامنه ای گسترده تر از منابع قابل استفاده در داخل اجتماع ، نفوذ داشته باشد(وولکوک ، ۲۰۰۱ : ۱۴-۱۳).

بورديو :

از نظر بورديو سرمایه اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنویست که به یک فرد یا یک گروه اجازه می دهد تا شبکه پایداری از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (بورديو و ککوانت ، ۱۹۹۲ : ۱۱۹) از نظر وی سرمایه اجتماعی باعث بازتولید نابرابری میگردد اما تا حدی مستقل از سرمایه اقتصادی و فرهنگی عمل می کند . ضمن اینکه به هیچ عنوان از آنها جداشدنی نیست . از نظر بورديو چگالی و دوام پیوندها هردو ضروری هستند .

سرمایه ی اجتماعی انبوهی از منابع بالفعل یا بالقوه ای را که به مالکیت یک شبکه دوام دار متصلند نشان می دهد (بورديو ، ۱۹۸۰ : ۲ ؛ ۱۹۸۶ : ۲۴۸) همچنین بیان کرد که ارزش پیوندهای یک فرد (یا حجم سرمایه اجتماعی متعلق به یک عامل) به تعداد اتصالاتی که می تواند آنها را بسیج نماید و به حجم سرمایه (فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی) متعلق به هرکدام از اتصالات ، بستگی دارد (بورديو ، ۱۹۸۰ : ۲ ؛ ۱۹۸۶ : ۲۴۹). قطعاً بورديو سرمایه اجتماعی را ویژگی انحصاری نخبگان می داند که برای تامین موقعیت نسب ی شان طراحی شده است . و بر نقش سرمایه اجتماعی خویشاوند محور بیشتر تاکید می کند و این طور به نظر می رسد که صرف نظر از دغدغه او برای معرفی عاملیت ، نظریه وی ریشه در مدلی نسبتاً ایستا از سلسله مراتب اجتماعی دارد. کار بورديو مانند بسیاری از نظریه پردازان جامعه شناسی بدون نقص نیست از جمله

اینکه وی نیز مانند کلمن و پاتنام ، سرمایه اجتماعی را حداقل برای کسانی که حجم وسیعی از آن را دارا هستند بی خطر می داند .

عموما وی توجه کمی نسبت به وجه منفی سرمایه اجتماعی دارد و دلیل اصلی آن هم این است که نظریه وی به طور دقیق بر شیوه های به کارگیری اتصالات توسط برخی گروهها برای کسب سود ، تمرکز دارد . بدون تردید بورديو سوء استفاده از سرمایه اجتماعی را مخصوصا در بین کسانی که قادر به نمایندگی سرمایه اجتماعی نهادینه شده هستند ، امکان پذیر می داند .

همچنین به دیدگاهی از سرمایه اجتماعی گرایش داشته که قدیمی و فردگرایانه به نظر می رسد . در این نگاه جایگاه کمی برای کنش گران جمعی وجود دارد . اتصالات از طریق افراد و برای کسب برتری ایجاد می شوند و بنابراین زندگی مشارکتی وسیله ایست برای یک هدف . بنا براین سرمایه اجتماعی را می توان یک ویژگی گروهها و حتی به عنوان یک محصول ذاتی تعامل اجتماعی در نظر گرفت . بعلاوه بورديو معتقد است که سرمایه اجتماعی یکی از داراییهای ثروتمندان و وسیله ای برای حفظ برتری آنهاست . در نظریه وی جایگاهی برای امکان بهره برداری دیگران ، یعنی افراد یا گروههای کم بضاعت تر از این پیوندهای اجتماعی وجود ندارد (فیلد ، ۱۳۸۶ : ۳۸-۳۴) .

جیمز کلمن :

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نشان دهنده یک منبع است زیرا متضمن شبکه های مبتنی بر اعتماد و ارزش های مشترک می باشد . مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر بود . علاقه ی کلمن به مفهوم سرمایه اجتماعی مانند بورديو از تلاشهای وی برای تبیین رابطه ی نابرابری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در مدارس ، نشات می گیرد .

کلمن سرمایه اجتماعی را به عنوان یک مفهوم پسینی (پسا تجربی) معرفی کرد که آن را تا حدی برای تبیین یافته هایی که به نظر می رسید به صورت نامناسبی در مدل نظری موجود قرار گرفته اند ، ایجاد نموده بود (بارون ، ۲۰۰۰ : ۶) کلمن با استفاده از تمایز اقتصادی مرسوم بین کالاهای خصوصی و عمومی

توضیح داد که چطور سرمایه اجتماعی به درک مشکل کنش جمعی کمک می کند . متفاوت از سرمایه فیزیکی و انسانی که به طور معمول یک کالای خصوصی هستند و مالکیت و سودشان به افراد بر می گردد ، کلمن سرمایه اجتماعی را به عنوان نمونه کامل یک کالای عمومی می داند که توسط عده ای ایجاد می گردد ولی نه فقط برای کسانی که تلاشهایشان در بوجود آوردن آن موثر بوده است بلکه برای تمام کسانی که جزو یک ساختار هستند ، می تواند مفید واقع شود . (کلمن ، ۹ - ۱۹۸۸ : ۱۱۶)

بنابراین نیازمند تعاون بین افرادی که حتی سود شخصی خود را پیگیری می کنند است . (فیلد ، ۱۳۸۶ ، ۴۳) کلمن برخی تغییرات کوتاه مدت در ساختار ارتباط را علت بعضی از انبساط ها و انقباض های ارتباط می داند مثلا معتقد است که نفوذ گسترش یابنده تلویزیون ، سینما و موسیقی مردم پسند و یا مثلا اینترنت و ماهواره (از قول نگارنده) باعث می شود که ارتباطات جوانان با بزرگسالان نظیر پدران ، مادران ، همسایگان و خویشاوندان کاهش یافته و بیشتر با قدرتهای سوداگری دیداری ، نوشتاری و شنیداری تقویت می شود . در مجموع سه نوع نتیجه گسترش و کاهش اعتماد وجود دارد : ۱. گسترش اعتماد به افزایش امکان بالقوه کنش اجتماعی از جانب کسانی که به آنان اعتماد نشده است می انجامد و کاهش اعتماد تاثیر معکوس دارد. ۲. وابستگی قدرت امین برای موفقیت به میزان اعتماد تفویض شده ، به این معناست که افزایش اعتماد گرایش به گسترش بیشتری دارد و کاهش اعتماد به کاهش بیشتر منجر می شود ، لذا این فرآیند بی ثبات است . ۳. کاهش زیاد اعتماد در دسته ای از نخبگان ، باعث فشار می شود که به تفویض اعتماد بیشتر در جای دیگر می انجامد (کلمن ، ۱۳۷۷ : ۳۰۰-۲۶۸).

پاتنام :

به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به ویژگیهایی از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد ، هنجارها و شبکه ها اشاره دارد که قادرند کارایی جامعه را با تسهیل کنشهای تعاونی بهبود بخشند (پاتنام ، ۱۹۹۳a ، ۳۶۷ a). به بیان دقیقتر سرمایه اجتماعی ۱- از طریق افزایش هزینه های بال قوه جدا شدن ۲- تقویت هنجارهای مستحکم بده بستان ۳- تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم

موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنشی جمعی کمک کند (پاتنام، ۱۹۹۳a، ۱۷۳a). به نظر پاتنام علت نزول سرمایه اجتماعی در امریکا ظهور رقیب جدی اجتماعات دوستانه یعنی تلویزیون بود (پاتنام، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶). به نظر وی ایده اصلی سرمایه اجتماعی این بود که شبکه های اجتماعی ارزشمند هستند. تماسهای اجتماعی بر کارایی افراد و گروهها تاثیر می گذارند.

او این اصطلاح را برای اشاره به اتصالات بین افراد و شبکه های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه آنها بوجود می آید به کاربرد. پاتنام بین دو نوع شکل اصلی سرمایه اجتماعی به نامهای ۱- سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و درون گروهی یا (انحصاری) طرح می کند. سرمایه اجتماعی درون گروهی هویت های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می شود، سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی را گردهم می آورد. به نظر پاتنام هرکدام از این اشکال برای رفع نیازهای متفاوتی سودمند می باشند. سرمایه اجتماعی درون گروهی برای تقویت تعامل های خاص و انتقال همبستگی مفید است و همچنین در نقش یک نوع چسب قوی جامعه شناختی برای حفظ وفاداری درون گروهی قوی و تقویت هویت های مشخص عمل می کند. اتصالات ارتباط دهنده برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفیدند و یک بینش جامعه شناختی فراهم می آورند که می توانند هویت ها و تعاملات وسیعتری را بوجود آورد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳-۲۲). به نظر پاتنام چهار عامل جهت تنزل سرمایه اجتماعی در امریکا دیده می شود:

- ۱- مشغولیت کامل و فشارهای مربوط به خانواده های دو شغلی، زمان و سایر منابعی که زنان به طور خاص می توانند به مشارکت اجتماعی اختصاص دهند، کاهش داده است (پاتنام، ۲۰۰۳: ۲۰۰۰).
- ۲- جرمه مدنی پراکنده نشینی که باید افراد برای رفتن از جایی به جایی دیگر زمان زیادی را صرف نمایند و بنابراین پیوندهایشان چندپاره تر می شود (همان: ۲۱۵). البته پاتنام تحرک شهری و پراکنده نشینی را هم مانند زمان و پول، یک عامل فرعی می داند.
- ۳- سرگرمی های الکترونیکی خانگی و مهمتر از همه تلویزیون. ۴- تغییر نسلی.

نقائسی هم در کار پاتنام دیده می شود از جمله اینکه می گویند ۱- تعریفی دورانی از سرمایه اجتماعی اتخاذ نموده است (میسنرتال ، ۱۲۱ : ۲۰۰۰) ۲- و دیگر اینکه از ارائه توضیحی برای تولید و حفظ سرمایه اجتماعی ناتوان است (همان : ۱۲۰) ۳- اهمیت پیوند علی مرتبط کننده اعتماد دو شبکه ای گسترده از انجمنها را درک نمی کند. (زومکا، ۱۹۹۹ : ۱۹۶). ۴- ابهام مفهومی پاتنام مربوط به مثبت انگاری بیش از حد وی است. (پورتس ، ۱ : ۱۹۹۸). پاتنام براین اعتقاد بود که سرمایه اجتماعی درمان کامل برای بسیاری از دردهای هر جامعه است . میسنرتال معتقد است که پاتنام تصویری رمانتیک شده از اجتماع را ارائه کرده است و این مطلب را که شبکه ها میتوانند هم اعتماد و هم بی اعتمادی را پرورش دهند ، درک نکرده است (میسنرتال ، ۲۰۰۰ : ۱۲۱). از آنجا که پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان چیزی می بیند که به تنهایی درطول فرایندهای اقتصادی اجتماعی طولانی مدت ایجاد شده است به نظر می رسد که در رویکرد او قلمروی کوچکی برای عاملیت انسانی وجود دارد . (فیلد ، ۱۳۸۶ : ۶۶). ویلسون ولوندس نظریه پاتنام را به این دلیل که بیش از حد جامعه محور بوده و عاملیت دولت و عوامل سیاسی مربوط را کم ارزش جلوه می دهد ، نقد می کند (لونددس ویلسون ، ۲۰۰۱ : ۶۲۹). پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی به دلیل شفافیت تحلیلی و بررسی تاریخی مفصل، کارش تبدیل به صدای مسلط شده است و تاثیر کار کلمن را در نوشته هایش تایید می کند و همچنین کلمن کاملاً از کار بورديو آگاه بوده است.)

شاخص سرمایه ی اجتماعی (رابرت پاتنام) :

ساده ترین نسخه برای سنجش سرمایه ی اجتماعی توسط رابرت پاتنام در سال ۱۹۹۳ برای تحلیل تفاوت در کارایی او تأثیر آن بر توسعه ی اقتصادی بین بخشهای شمالی و جنوبی ایتالیا ارائه شده است پاتنام دریافت که سرمایه ی اجتماعی که با سطح اعتماد و زندگی انجمنی اندازه گیری شده بود از حکومتهای محلی موفق و توسعه ی اقتصادی بالایی نیز برخوردارند(DNS,2001) پاتنام معتقد است که تفاوت در میان این دو نوع حکومت محلی تا حدود زیادی به عضویت در سازمانهای داوطلبان بازمی گردد. در تعاملات افقی متراکم اساسی ترین اشکال سرمایه ی اجتماعی شبکه های عمودی نمی توانند اعتماد اجتماعی و همکاری را تقویت و استمرار بخشند (krishna&shrader,1999). پاتنام در کتاب بولینگ یک نفره خاطر نشان

می کند که مشارکت مدنی تنها شکل موجود سرمایه‌ی اجتماعی نیست، از این رو به اهمیت شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی نیز توجه می کند و با به کارگیری این دو سنجش (سازمانهای رسمی و غیر رسمی) در آمریکا او نتیجه می گیرد، مشارکت آمریکاییان در سیاست، گروههای مدنی، سازمان های مذهبی، اتحادیه های تجاری، سازمانهای حرفه ای و معاشرتهای غیر رسمی کمتر شده است. او دلیل این کاهش را به نقش تلویزیون، پول (تغییر نقش زنان)، جابجایی زیاد محل سکونت (کاهش پیوندهای محلی، تغییرات سنی در ارزشها و رفتارهای مرتبط یا مشارکت مدنی نسبت می دهد که مسائل اجتماعی چون فقدان اعتماد، افزایش نرخ جرم و بی تفاوتی سیاسی را در آمریکا به وجود آورده است. ویژگیهای برجسته ی سرمایه ی اجتماعی پاتنام یا ابزار پاتنام عبارتند از:

۱. نسخه زندگی سازمانی اجتماع ۲. خدمت در یک کمیته از سازمان محلی در سال گذشته ۳. خدمت کردن به عنوان مسئول برخی از کلوپها و سازمانها ۴. سازمانهای مدنی و اجتماعی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۵. میانگین تعداد شرکت در جلسات کلوپها در سال گذشته ۶. میانگین تعداد عضویت در گروهها ۷. نسخه مشارکت در امور عامه و همگانی ۸. شرکت در سخنرانیهای عمومی در خصوص مسائل مربوط به شهر یا مدرسه در سال گذشته ۹. نسخه داوطلبانه بودن در اجتماع ۱۰. تعداد سازمانهای غیر دولتی ۱۱. میانگین دفعات مشارکت در پروژه های اجتماع در سال گذشته ۱۲. نسخه معاشرتی بودن غیررسمی (جامعه پذیری غیررسمی) ۱۳. موافقت با گویه فرصت زیادی را برای ملاقات دوستانم صرف می کنم ۱۴. تعداد دفعات مهمانیمان در سال گذشته ۱۵. نسخه اعتماد ۱۶. موافقت با گویه بیشتر مردم قابل اعتمادند ۱۷. موافقت با گویه بیشتر مردم صادق و درستکارند (DNS, 2001). سرمایه ی اجتماعی مفهومیست که در سطح نظری تا اندازه ای تازگی داشته و فرضیه های اندکی در مورد آن به آزمون گذاشته شده است و در سطح تجربی نیز اگرچه داده های زیادی در سطوح مختلف ملی و بین المللی و به شیوه های مختلف گردآوری شده اند، اما غالبا برخوردار از چارچوب تحلیلی مناسبی نیستند و بین مفهوم نظری و نسخه های تجربی شکاف چشمگیری وجود دارد. می توان گفت که تحلیل سرمایه ی اجتماعی در دو حوزه در حال پیشرفت است:

۱. در سطح قیاس نظری ۲. در سطح استقرار تجربی . ترکیب مناسب این دو و ایجاد سنجه هایی که از پشتوانه نظری و مفهومی قوی برخوردارند می تواند بسیار ثمربخش باشند و هرچند که به نظر گروتارت و همکارانش نیز برخی چالشها و مناقشه ها از لحاظ تجربی برطرف نخواهد شد ولی با این وجود، نمی توان به مناقشه های مفهومی هم در خلا تجربی خاتمه داد . (mateju.no.D) دیدگاه نهادی سرمایه ی اجتماعی و همچنین پتانسیلهای منفی ساختار شبکه ها، از برجستگی خاصی برخوردار است ولی باز هم نمی تواند در سطوح بین المللی چندان به آن اتکا نمود . در کانادا نیز با بهره گیری از تحلیل شبکه و الگوهای ریاضی برگرفته از نظریه گراف تلاش نمود تا سرمایه ی اجتماعی اندازه گیری شود که در جای خود کاری بسیار ارزنده است، ولی باید خاطر نشان ساخت که شبکه ها تنها یکی از ابعاد سرمایه ی اجتماعی است و بعد مهم دیگر آن هنجارها و ارزشهایی است که در درون این شبکه ها جریان دارند ولی توجهی به آنها اعتبار یافته ها را زیر سؤال می برد . تفاوتهای همه ی انرژیهای به کار رفته در خصوص تولید سنجه تبدیل به سینرژی واحدی می شوند که:

۱. در کارهای تجربی سرمایه ی اجتماعی به عنوان مفهومی چند بعدی در نظر گرفته شود بایستی به جای سنجه های تک آیتمی در سنجش سرمایه ی اجتماعی از سنجه های چند آیتمی استفاده شود (van Deth,2003) همچنین می توان از تکنیکهای پیشرفته چون مدل یابی یا معادلات ساختاری که برای بررسی سازه های چند بعدی و پیچیده طراحی شده اند بهره گرفت.

۲. با توجه به ماهیت پیچیده و چند بعدی سرمایه ی اجتماعی به ترکیب روشهای کمی و کیفی توجه خاصی شود سرمایه های اجتماعی ماهیتی چند بعدی دارد و بر مبنای گروهها ، شبکه ها و هنجارها و اعتماد میتواند شکلهای متفاوتی به خود بگیرد . تحقیقات مبتنی بر سرمایه ی اجتماعی بایستی بتوانند چند بعدی بودن این مفهوم را پوشش دهند . با استفاده از مثلث سازی می توان از نقاط ضعف روشهای کمی و کیفی کاسته و بر نقاط قوت آنها افزود. ترکیب مناسب روشهای کمی و کیفی بهره گیری از استراتژیهای چند روش یا تکثر گرایی روش شناختی این امکان را می دهد که تصویر جامع تری از ساختارها و برداشتهای موجود از

سرمایه اجتماعی به دست آید. (Grootaert&bostelaer,2000;Dvdwieketal,2006)

۳. در اندازه گیری سرمایه ی اجتماعی بین نسخه های سرمایه ی اجتماعی و نسخه های پیامدهای آن تمایز قائل شویم (stone.2001). ولکاک نیز معتقد است برای پرهیز از تعاریف کارکردی و همان گویانه تعریف سرمایه اجتماعی بایستی بر منابع آن بیش از تمرکز باشد تا پیامدهای آن. نیوتن نیز تاکید می کند سرمایه اجتماعی ممکن است به کالاها و خدمات ارزشمندی بینجامد اما جریان همیشه از این قرار نیست و ما نباید چنین کالا و خدماتی را بعنوان بخشی از تعریف سرمایه ی اجتماعی در نظر بگیریم. پاکستان نیز بر تمایز بین سرمایه ی اجتماعی و پیامدهای آن تأکید دارد (stone. 2001). بنابر این با جدا ساختن سرمایه ی اجتماعی از پیامدهای آن می توانیم این مفهوم را عملیاتی نموده و مطالعات بدون ابهام و با شفافیت کافی به کار برد (Healy,no.d)

۴. اتخاذ رهیافتی نظریه محور در اندازه گیری سرمایه ی اجتماعی برای چیره شدن بر آشفتگیهای تجربی و به وجود آمدن امکان انجام تحقیقات درست و صحیح درباره سرمایه ی اجتماعی و پیامدهای مفروض آن ضروری است. اگرچه همه ی تحقیقات مرتبط با سرمایه ی اجتماعی تعریف روشن قابل قبولی را از آن ارائه نداده اند، اما بیشتر تحقیقاتی که تا کنون انجام گرفته نقطه ی ارجاعی مناسب و مفیدی را برای ایجاد نسخه های نظریه محور به وجود آوردند (stone&Hvyhes,2002;ons,2001).

۵. باید بین منابع سرمایه ی اجتماعی، بعد ساختاری شامل انواع شبکه های رسمی و غیر رسمی، همگون یا ناهمگون، افقی و عمودی و بعد شناختی. هنجار یا ارزشهای حاکم بر شبکه های مختلف و پیامدهای سرمایه ی اجتماعی تمایز قائل شده، ضمن اینکه نیم نگاهی نیز به متن و بستر فرهنگی که رفتارها و نگرشها در آن قرار دارند، داشته باشیم (dns.2001&healy,no D). فوکویاما معتقد است که سرمایه ی اجتماعی یعنی هنجارهای غیر رسمی جا افتاده اس که همکاران میان دو نفر را تشویق می کند دامنه هنجارهایی که سرمایه ی اجتماعی را به وجود می آورند می تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه های

پیچیده و کاملاً جز به جز مانند صحیت و یا آیین کنفسیوس را در بر می گیرد آن ها باید در رابطه ی انسانی واقعی جا افتاده باشند هنجار متقابل به هنگام سر و کار داشتن با تمام مردم به طور بالقوه وجود دارد اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالصعل می شود. با این تعریف اعتماد، شبکه ها، جامعه ی مدنی و موارد دیگری که با سرمایه ی اجتماعی همراهند، تماماً آثار و نتایج سرمایه ی اجتماعی اند. نه اجزا تشکیل دهنده ی آن، هر مجموعه ای از هنجارهای جا افتاده، سرمایه ی اجتماعی را تشکیل نمی دهند، آنها باید به همکاری در گروه ها منجر شوند و بنا بر این با ارزش های معنوی و سنتی چون صداقت، پایبندی به تعهدات و وظیفه شناسی، رابطه ی متقابل و نظیر آن مرتبط هستند. سرمایه ی اجتماعی متعلق به گروه هاست نه افراد، هنجارهایی که شالوده ی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند . در صورتی معنا دارد که بیش از یک نفر در آن سهم باشد. وی معتقد است که سرمایه ی اجتماعی اساساً خارج از بخش دولتی بوجود می آید یعنی یا از طریق فرایندی خود انگیخته یا از طریق آنچه که به آن تولید برون زا می گویند و با توجه به اینکه سرمایه ی اجتماعی از جهتی یک کالای عمومی است و منافع آن به طور وسیعی توزیع می شود و قابل تخصیص با عامل ایجاد کننده ی آن نیست، لذا دولت و سازمان های خصوصی نیز باید در رواج از طریق رابطه با یکدیگر اوصاف محقق می شود .

فوکویاما :

فوکویاما معتقد است که سرمایه ی اجتماعی یعنی هنجارهای غیر رسمی جا افتاده اس که همکاران میان دو نفر را تشویق می کند دامنه هنجارهایی که سرمایه ی اجتماعی را به وجود می آورند می تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه های پیچیده و کاملاً جز به جز مانند صحیت و یا آیین کنفسیوس را در بر می گیرد آن ها باید در رابطه ی انسانی واقعی جا افتاده باشند هنجار متقابل به هنگام سر و کار داشتن با تمام مردم به طور بالقوه وجود دارد اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالصعل می شود . با این تعریف اعتماد، شبکه ها، جامعه ی مدنی و موارد دیگری که با سرمایه ی اجتماعی همراهند، تماماً آثار و نتایج سرمایه ی اجتماعی اند. نه اجزا تشکیل دهنده ی آن، هر مجموعه ای از هنجارهای جا افتاده، سرمایه ی

اجتماعی را تشکیل نمی دهند، آنها باید به همکاری در گروه ها منجر شوند و بنا بر این با ارزش های معنوی و سنتی چون صداقت، پایداری به تعهدات و وظیفه شناسی، رابطه ی متقابل و نظیر آن مرتبط هستند . سرمایه ی اجتماعی متعلق به گروه هاست نه افراد، هنجارهایی که شالوده ی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند . در صورتی معنا دارد که بیش از یک نفر در آن سهم باشد . وی معتقد است که سرمایه ی اجتماعی اساساً خارج از بخش دولتی بوجود می آید یعنی یا از طریق فرایندی خود انگیخته یا از طریق آنچه که به آن تولید برون زا می گویند و با توجه به اینکه سرمایه ی اجتماعی از جهتی یک کالای عمومی است و منافع آن به طور وسیعی توزیع می شود و قابل تخصیص با عامل ایجاد کننده ی آن نیست، لذا دولت و سازمان های خصوصی نیز باید در رواج از طریق رابطه با یکدیگر اوصاف محقق می شود

پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی :

در کل پیامدهای منفی مربوط به سرمایه اجتماعی را از دو جنبه می توان بررسی نمود : ۱- کمک سرمایه اجتماعی به تقویت نابرابری ۲- حمایت از رفتارهای ضداجتماعی (همان : ۱۲۰) . پاتنام می کد که باندهای درون شهری دارای اشکالی از سرمایه اجتماعی هستند که با وجود نقش مثبتشان در افزایش همبستگی ، برای ناظران آن مضر می باشند . (پاتنام ، ۲۰۰۰ : ۱۶-۳۱۵) .

به نظر فوکویاما اغلب همبستگی گروهی در اجتماعات انسانی به قیمت خصومت بر علیه اعضای برون گروهی ایجاد می شود (فوکویاما ، ۲۰۰۱ : ۸) . وی نتایج منفی سرمایه اجتماعی را با استفاده از ایده شعاع اعتماد تشریح می نماید ، هرچه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باش د احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می شود(همان : ۱۰-۸) . به نظر فوکویاما مضرات در نتیجه توزیع اعتماد بوجود می آیند که خود یک عنصر اصلی در تعریف وی از سرمایه اجتماعی است (فیلد ، ۱۳۸۶ : ۴-۱۲۳) .

سرمایه ی اجتماعی و اعتماد :

سرمایه ی اجتماعی مفهومی جدید ، پیچیده و مهم است که امروز بعنوان یکی از مهمترین شاخصه های رشد و توسعه در کنار دیگر مفاهیم مهم در نظام اجتماعی در هر جامعه ای مطرح می شود. شرط دوم برای

پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، فراگیر شدن مشارکت اجتماعی و اعتماد چند سوپه (فرد - جامعه - دولت) سرمایه‌ی اجتماعی است. متأسفانه در کشور های جهان سومی مانند ایران از کمتر به این مقوله توجه می‌شود؛ این در حالیست که افول بیش از حد سرمایه‌ی اجتماعی در هر جامعه و کشوری به حتم جامعه را با مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی روبرو می‌سازد که فرجام آن فروپاشی اجتماعی است.

سرمایه‌ی اجتماعی منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه است که باعث ۴ ایجاد شبکه‌های روابط م‌عقولانه. حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌شود و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌کند. به نظر قرانسس فوکوباما، سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه معینی از ارزشها و هنجارهای (چه صحیح و چه غلط) غیررسمی است که اعضای جامعه در آن سهیم هستند و آنها را به انسجام امور خاص در راستای حفظ جامعه هدایت می‌کند.

پیروردیو، جامعه‌شناس فرانسوی نیز با تقسیم بندی سرمایه‌ها در نظام اجتماعی به سه شکل اقتصادی فرهنگی، اجتماعی، بر آنست که سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباطات و مشارکت اعضای یک جامعه برای دستیابی به اهداف آنهاست با کاهش و لغو سرمایه‌ی اجتماعی شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، از میان رفتن حد اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی خواهیم بود که بررسی اهمیت و میزان اثرگذاری هر یک از این متغیرها خود به تحقیق مفصل اجتماعی نیازمند است یکی از مولفه‌های مهم سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد است. اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که با وجود تفوتها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. اعتماد اجتماعی بر گرفته از عدالت برابری و امنیت اجتماعی و نیز زاینده آنها می‌باشد.

آنتونی گیدنز، اعتماد و تاثیر آنرا بر فرایند توسعه، زیر بنا و زمیه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند. هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیشتر و آسیبهای اجتماعی کمتر است (بامداد و رحیمی، ۱۳۸۷: ۸-۴۷).

سرمایه اجتماعی و جرم و انحراف :

پانتام در سطح ایالت، به یک پیوستگی منفی بین جرمهای خشن و شاخص سرمایه اجتماعی دست پیدا کرده بود و مدعی بود که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در صورت برابر بودن سایر شرایط، سطوح جرم پایین تر خواهد آمد (پانتام، ۲۰۰۰: ۲۰۸). مدل سازی معادله ساختاری برای تشریح رابطه ی بین قتل و برخی از عوامل از جمله سرمایه اجتماعی (با استفاده از داده های مربوط به اعتماد و تعهد مدنی پیمایش اجتماعی عمومی) برای نود و نه ناحیه امریکا مورد استفاده قرار گرفته است (روزنفیلد و دیگران، ۲۰۰۱). نویسندگان این تحقیق گزارش کرده اند با اینکه محرومیت اقتصادی، نرخ طلاق و محله های جنوبی همگی عوامل جدی هستند اما در عین لحاظ کردن سایر پیش بینی ها، سرمایه اجتماعی دارای تاثیری بارز بر نرخ قتل ها می باشد، اما نرخ بیکاری و ترکیب سنی جمعیت هیچ تاثیری بر این نرخ ندارد. (همان: ۷-۲۸۶). در کار مفصلی که در خصوص ماهیت رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش به اطاعت از قانون انجام شده است آورده شده که در محله هایی که بیشتر افراد یکدیگر را به خوبی نمی شناسند و نظارت بر گروههای همسالان در پایین ترین سطح خود قرار دارد و تعهد مدنی (از جمله تعهد به اجرای قوانین) ضعیف است، جرم افزایش می یابد. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۱: ۵۴). حتی در جامعه ی پویا و بی قرار شیکاگو معاصر به میزانی که بر پیوستگی انتظارات مشترک نسبت به اجتماع وسیع تر افزوده می شود، نرخ های جرم و بی نظمی کمتر می شود (سمپسون و رادن بوش، ۱۹۹۹) برخی محققین معتقدند که سرمایه اجتماعی می تواند در هر مرحله ای زودتر پا به عرصه گذارد اعتماد و اعتبار لازمه را در اختیار افراد قرار دهد، برای مثال با منع نوجوانان از تشکیل گروههای خطرناک خیابانی یا مصرف مواد مخدر مانع خروج آنها از حوزه ی رفتارهای قابل قبول شود. (هالپرن، ۲۰۰۱). همچنین شبکه های قوی می توانند زمینه لازم را جهت حصول شان و عزت نفس را برای جوانان فراهم آورند که این مساله منجر به تعمیق پیوند آنها

با اجتماع گسترده تر شده و تاثیر ویژه ای بر کاهش احتمال جرمهای خشونت آمیز دارد. (کاوچی و دیگران . ط 1997). چنانچه در اجتماعی جرم پایین باشد و افراد احترام زیادی برای پلیس قائل باشند؛ توسع ه و حفظ پیوندهای اجتماعی موثر آسان خواهد بود و برعکس سقوط شدید و ناگهانی سرمایه اجتماعی با افزایش شدید از خود بیگانگی و رفتار ضداجتماعی، مخصوصا در بین مردان جوان همراه بوده است. (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

بررسی مفهوم اعتماد:

کلمن و پاتنام در تعریف اعتماد به ع نوان مولفه ی کلیدی سرمایه اجتماعی هم عقیده بودند. بحث اعتماد در دیدگاه بورديو در واكوى بازتوليد اجتماعى نهفته است. افرادى كه با يكديگر ازدواج مى كنند يا با هم باشگاه تشكيل مى دهند تا پيوند هاى مفيد خود را توسعه بخشند بايد اين كار را بر پايه اى از اعتماد انجام دهند. (فيلد، ۱۳۸۶: 4-۱۰۳). فرانسیس فوکویاما اعتماد را به عنوان یک ویژگی کاملا بنیادی سرمایه اجتماعی تعریف می کند. سرمایه اجتماعی یک توانمندی است که در نتیجه شیوع اعتماد در یک جامعه یا برخی از بخشهای آن محقق می شود. (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۶). اوسلانر، عالم سیاسی به پیروی از فوکویاما معتقد است که سرمایه اجتماعی نظامی از ارزش های بنیادی است که اعتماد اجتماعی را منعکس می نماید. (اوسلانر، ۱۹۹۹: ۱۲۲) حتی فوکویاما معتقد است که اعتماد پایه اصلی نظم اجتماعی است. اجتماعات به اعتماد متقابل وابسته اند و بدون آن به صورت خود به خودی به وجود نمی آیند. (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۵). اعتماد و معتمد بودن اغلب به عنوان نوعی گرایش اجتماعی در نظر گرفته شده اند که چرخ های تبادلات اجتماعی و اقتصادی متنوع را روغن کاری می کنند و در صورت عدم وجود آن این تبادلات بسیار هزینه بر؛ بوروکراتیک و زمان بر خواهند شد. این مساله بسیار با مفهوم سرمایه اجتماعی که بر شیوه های مختلف دسترسی به منابع از طریق شبکه ها تاکید دارد، مرتبط است. بدیهی است شبکه ای که اعتماد در آن زیاد است خیلی آسان تر و روان تر از شبکه ای که در آن اعتماد کم است عمل می کند. اما اعتماد صرفا بر روابط چهره به چهره بین دو یا چند نفر استوار نشده است. (داسگوتیا، ۲۰۰۰: ۳۳۳). بیشتر ادبیات مربوط به اعتماد خاص گرایانه که به مشاهدات فردی یک شخص و تجربیات معتمد بودن یک فرد خاص در طول

زمان محدود است و اعتماد عام گرایانه که می تواند به تمام افراد یا نهادهایی که فرد با آنها تماس مستقیم دارد بسط یابد ، تمایز قائل میشوند . اعتماد در دستیابی به یک سری منافع شبکه های اجتماعی نقش حیاتی بازی می کند و برای مثال اعتماد می تواند برای دستیابی به دارایی هایی از جمله دانش که نسبتا نامحسوس و بعضی اوقات ضمنی هستند خیلی مهم باشد . در حال حاضر تعدادی از مفسرین نسبت به این نکته تردید دارند که اعتماد را به عنوان جز مکمل سرمایه اجتماعی یا به عنوان یکی از نتایج آن در نظر بگیرند . در درجه اول این نکته باید خاطر نشان گردد که خود اعتماد یک پدیده پیچیده و متغیر است و ترکیب آن با سایر عوامل (شبکه ها وهنجارها) در قالب مفهوم سرمایه اجتماعی مفهوم را خیلی پیچیده تر می کند . دوم اینکه اعتماد یک پیامد ضروری هنجارهای مشترک و شبکه های قوی نیست و بنابراین بهتر است آنرا به عنوان متغیری مجزا در نظر گرفت . سوم اینکه ترسیم یک تمایز تحلیلی بین اعتماد و سرمایه اجتماعی ، ساختن یک مدل علت و معلولی از ارتباط بین این دو را ممکن می سازد . (رز، ۱۹۹۹: ۱۵۱) .

وولکوک از منظر جامعه شناسی بیان می کند که اعتماد در بهترین حالت می تواند به عنوان یک پیامد سرمایه اجتماعی در طول زمان در نظر گرفته شود (وولکوک ، ۲۰۰۱ : ۱۳) . در درجه چهارم مطلوب بودن اعتماد فی نفسه امری کاملا مشهود است . به خصوص فوکویاما استدلال ساده ای ارائه می دهد که تا حد زیادی بر خودانگاره ی امریکای متحد مطابقت دارد (شولر و دیگران ، ۲۰۰۰ ، ۱۷) . از بین نویسندگان پیشکسوت کلمن تمایل داشت تا پیوندهای صمیمی و مستقیم بین شخصی را نشان دهد . پاتنام بیشتر در صدد ارائه تصویری گرم از اجتماع بود . بورديو تصویری ابزاری و خاص گرایانه از اتصالات به عنوان حافظ منافع ترسیم نمود . در مجموع پاتنام متفاوت ترین رویکرد را به سرمایه اجتماعی اتخاذ کرده است و از نظر وی سرمایه اجتماعی درون گروهی یا انحصاری ، حول خانواده ، دوستان صمیمی و سایر خویشاوندان نزدیک بنا شده است . این نگاهی درون گرایانه است و افراد متعلق به یک رده جامعه شناختی مشابه را گردهم می آورد . این نگاه به تقویت هویت های انحصاری و گروههای همگون گرایش دارد . در عوض سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) افراد را به آشنایان دورتری که در حلقه هایی غیر از حلقه ی خودشان قرار دارند ارتباط می دهد . این نوع سرمایه به جای اینکه یک گروه کوچک و محدود را تقویت کند ، به ایجاد هویت

هایی وسیعتر و بده بستان گسترده تر گرایش دارد. وولکوک این تفکیک دوگانه را بسط میدهد و آن را به صورت افقی در نظر می گیرد تا یک بعد سوم سرمایه اجتماعی اتصال دهنده که شامل روابط بالا و پایین در مقیاس اقتصادی و اجتماعی است را اضافه نماید. (وولکوک، ۲۰۰۱: ۱۳). اهمیت سرمایه اجتماعی اتصال دهنده این است که افراد را قادر به بکارگیری منابع، ایده ها و اطلاعات حاصل از این تماس هایی که با افراد خارج از محیط اجتماعی خود دارند می سازند. این ایده اهمیت عملی ویژه برای سیاست های توسعه محله ای و دیگر راهبرد های ضد فقر دارد. (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۸). پاملا پلکستون در تلاشی بلند پروازانه برای ترکیب بعد هنجاری و ساختاری شبکه های اجتماعی، سرمایه اجتماعی را متشکل از دو جز مختلف که هر کدام می توانند مستقل از دیگری عمل کنند تعریف کرده است (پاکستون، ۱۹۹۹: ۶-۹۴). مولفه های تعریف پاکستون عبارتند از الف: میزان پیوستگی های انجمنی در زندگی انجمنی در بین افراد یا ساختار شبکه های عینی ب: پیوندهای ذهنی بین افراد مشابه به اعتقاد پاکستون، سرمایه اجتماعی زمانی وجود ندارند که هر دو متغیر در سطح بالایی باشند. اگر پیوستگی هایی های انجمنی بالا باشند ولی پیوندهای ذهنی ضعیف باشند، کنشگران ممکن است به راههای دیگری برای تامین همکاری از جمله عقد قرارداد رسمی متوسل شوند. اگر پیوندهای ذهنی زیاد بوده و پیوستگی های انجمنی در سطح پایینی باشد حسن نیت وجود خواهد داشت ولی به احتمال زیاد برای غلبه بر موانع همکاری موثر، نیازمند واسطه هایی خواهیم بود. سرمایه اجتماعی قوی درون گروهی ممکن است اثر منفی بر وجود پیوندهای مستحکم در سطح اجتماع گسترده تر داشته باشد. (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

تعریف جامعه شناسی جرم:

جامعه شناسان معتقدند که جرم یک پدیده طبیعی و دائمی است و در هر زمان و مکان اتفاق می افتد. با تحولات اجتماعی تغییر نمی یابد و نزد وجدان مردم زشت و ناپسند است و احساسات اجتماعی را متأثر می سازد و مجرم در انظار عمومی خوار و پست می باشد هر چند که ممکن است حسن و قبح بعضی از اعمال به اعتبار ادوار متفاوت باشد چنانچه بعضی از اعمال در دوره ی توحش مجاز بوده اما در دوره تمدن غیر قابل

اغماض و قابل مجازات گردیده است . سیر تکاملی ملل و اخلاق اجتماعی، مستلزم تغییر مفهوم جرم و کیفیت آن است.

دورکیم جامعه شناس فرانسوی می نویسد : جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می گردد و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند جرم محسوب می شود . جرم ناشی از نظام و فرهنگ و تمدن هر اجتماع است تا اجتماع و نظام آن باقی است جرم نیز دارای خصوصیات دائمی خواهد بود. نظریه دورکیم راجع به رابطه جرائم و فرهنگ، در جامعه شناسی کیفری مورد قبول است لکن نظریه پدیده ی طبیعی و ثابت بودن جرم در اجتماع، مورد تردید می باشد (کی نیا، مهدی، جامعه شناس جنایی، تهران : ۱۳۶۰). برخی دیگر معتقدند که جرم عملی است که در رابطه با رفتارهای عادی اعضای گروه اجتماع، تقصیر و خطا محسوب و رفتار غیر عادی و نابهنجار می باشد (دانش، ۱۳۶۶ : ۴۶).

عوامل پدید آورنده جرم:

عوامل به وجود آورنده ی جرم در نقاطه مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف تعداد و نیز از نظر عوامل اثربخش با یکدیگر متفاوتند. محیط اجتماعی تاثیر فراوانی در ارتباط با ارتکاب به جرم دارد. عوامل محیطی موثر در ازدیاد یا تقلیل میزان جرایم را می توان به شرح ذیل گروهبندی نمود:

شهر نشینی و جرم :

دشواری های شهرنشینی از نظر آسیب شناسی اجتماعی چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته طبقه بندی خاص خود را دارد . به همان اندازه که در کشورهای در حال توسعه مسایلی مانند از هم گسیختگی روابط اجتماعی، ناسالم بودن فعالیتهای اقتصادی عدم تعادل و توزیع درآمدها، فقدان امکانات رفاهی برا اکثر مردم و عدم تأمین اجتماعی و مخاطرات روانی متعدد دارد، در کشورهای پیشرفته ی صنعتی هم بر اثر ورود ماشین و تکنولوژی و روابط ناشی از آن، مسائل خاص خود را بوجود آورده است . شهرنشینی نابهنجار گسترش حاشیه های فقر، اتلاف م نابع و انرژی را در پی دارد .

انحرافات جنسی، انواع مختلف اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی و نیز روحیه ی سودجویی و سوداگری و روابط ناسالم و غلط اقتصادی در شهرها رونق بیشتری دارد.

حاشیه نشینی و جرم :

حاشیه نشینی یا زاغه نشینی اصطلاحی است که به محله های مسکونی غیر متعارف و متداول شهری اطلاق می شود. حاشیه نشینی با جرم رابطه ی مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب می شود تا مهاجران غیر متخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری و لو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزشهای انسانی کجرویهای اجتماعی سریعاً رشد می کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش بسیار می یابد.

چهارچوب نظری :

نظریه فشار ساختاری :

این نظریه رفتارهای انحرافی را نتیجه ی فشارهای اجتماعی می داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می کند. این نظریه مفهوم بی هنجار را به وسیله ی دورکیم وارد جامعه شناسی نمود. اما فرد دیگری که در این خصوص کار نمود، مرتون می باشد که وی انحراف را ناشی از ناهمخوانی وسایل و اهداف با یکدیگر می داند. ایشان چهار نوع انحراف را که ممکن است در این فرایند پدید آید را بر می شمرد : نوآوری- مراسم گرای- کناره گرایی - طغیان و سرکشی. (۱) نوآوری: زمانی است که فرد هدف را مشروع می داند ولی وسیله را نه . (۲) مراسم گرای: وسیله را مشروع می داند ولی هدف را نه (۳) کناره گرایی: نه هدف و نه وسیله هیچ کدام را مشروع نمی داند البته در واقع وضعیتی است که فرد به دلیل شرای ط محدود و یا عدم شایستگی خود نتواند به هدفهای تعیین شده ی فرهنگی و نیز به وسایل دستیابی به آنها برسد کناره گیری اختیار می کند. (۴) طغیان: شرایطی است که فرد نه هدف را و نه وسیله را قبول نداشته و بر علیه وضع موجودش قیام می کند.

نظریه ی انتقال فرهنگی:

این نظریه بر این نکته تاکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می شود. ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع

خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می شود. چهارگلم در خصوص این فرایند وجود دارد:

۱- رفتار انحرافی مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل اجتماعی با دیگران به ویژه دوستان ناباب آموخته می شود.

۲- یادگیری رفتار انحرافی هم مستلزم یادگیری تکنیک های ارتکاب جرم و هم انگیزه ها، گرایشهای مناسب برای تبهکاری است.

۳- رفتار انحرافی فرد می تواند از جنبه های خاصی مانند فراوانی، اولویت دوام و شدت تماس متفاوت باشد. هرچه سطح تماس فرد با افراد یا گروه های تبهکار بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد، احتمال کجروی بیشتر می شود.

۴- انسان بدان سبب مجرم می شود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیت های نامساعد آن بچربد.

نظریه ی تضاد :

نقطه عطف عمده ی این نظریه آن است که گروه های ثروتمند و قدرتمند جامعه دارای علاقه مشترک اقتصادی و سیاسی هستند و بیشتر برگزیدگان قدرت، از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منافع خود استفاده نموده و یا در واقع سواستفاده می نمایند

نظریه ی برچسب :

نظریه پردازن برچسب انحراف را یک پدیده ی اجتماعی می دانند و معتقدند که کجروی های اجتماعی

ناشی از عوامل روانشناختی یا زیست شناختی نیست و این اجتماع است که هویت انحرافی را در افراد پدید می آورد. نظریه ی برچسب می گوید که رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن رفتار (نقش-قانون) بستگی دارد. اگر به رفتاری یا نقشی احترام زیاد گذارده می شود خلاف آن کجروی خوانده می شود و فرد خاطی جریمه یا مجازت می گردد. این نظریه فرض می کند که قانون در گروه اجتماعی پدید می آید و چهار طبقه از افراد را شامل می شود: همنوایان، کجروان واقعی، کجروان پنهانی، متهمان بی گناه-همنوایان افرادی اند که از قوانین گروه سرپیچی نمی کنند و مطابق با نقش ها رفتار می نمایند کجروان واقعی: افرادی اند که قوانین را زیر پا گذاشته و به خاطر آن تنبیه یا جریمه می گردند. کجروان پنهانی: اشخاصی هستند که قانون شکنی می کنند اما کسی متوجه نمی شود و تنبیه و مجازت نمی گردند متهمان بی گناه: کسانی که قانون شکنی نکرده اند اما طوری رفتار می کنند که انگار چنین کاری را انجام داده اند

نظریه ی کنترل اجتماعی :

طرفداران این نظریه معتقدند که باید به رفتار مجرمانه در جامعه توجه داشت نه همنوایی . مردم فقط به این دلیل با هنجارهای اجتماعی همنوایی نشان می دهند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل نماید و اگر چنین کنترلی نبود ممکن بود همنوایی کمی وجود داشته باشد . دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی قوی باشد اعضای آن احتمالاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی همنوا می شوند ولی اگر همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند . هیرشی (۱۹۶۹) بیان می کند که انسان ها در جامعه به وسیله ی چهار عنصر زیر با هم پیوند برقرار می کنند.

علاقه، سطح تعهد، درگیری، ایمان.علاقه یا ارتباطات مهم با اشخاص معین دیگر است کسانی که به دیگران علاقه و توجه ندارند. نگران آن نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر بیاندازند بنابراین بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخ در مصرف نمایند. تعهد دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند، بنابراین کسانی که سرمایه گذاری روانی، اجتماعی، پایگاهی اعتباری کمتری در جامعه دارند خطر کمتری در ارتکاب جرم می بینندو حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز بدست آورند .سطح درگیری :بدین معنی

که افراد گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... کمتر فرصت رفتارهای انحرافی را دارند. برعکس افراد بیکار بیشتر دست به کار خلاف می زنند و ایمان نیز به معنای وفاداری فرد به ارزشها و هنجارهای اخلاقی است. کسانی که نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی وفاداری ضعیفی دارند، ممکن است تمایل بیشتری داشته باشند که ارزشهای اجتماعی را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۷۶)

دیدگاه کلاسیک سرمایه اجتماعی :

بورديو سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی گروههای نخبه، مخصوصاً کسانی که دارای سرمایه مالی محدود ویا سرمایه فرهنگی بوده اند از جمله اشرافیت فرانسه در نظر می گیرد که آن را در تلاش برای کسب جایگاه مورد استفاده قرار می دهند . از دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان منبعی برای قشرهای نسبتاً محروم جامعه عمل کند اما او هم مانند بورديو، این سرمایه را دارایی افراد و خانواده ها در نظر می گیرد . پاتنام این مفهوم را گسترده تر کرده و آن را به عنوان منبعی می بیند که در سطح جامعه عمل می کند . این ویژگی باعث آسیب پذیر شدن رویکرد پاتنام نسبت به اتهام کارکردگرایی شده است و می تواند به تبیین تاکید شدید او بر وجه مثبت سرمایه اجتماعی کمک کند .

اگر پاتنام و کلمن به درک اهمیت نابرابری های قدرت در رویکردشان متمایل هستند (هیسک ، ۱۴۵ :۲۰۰۱) اما بورديو به دست کم شمردن اهمیت سرمایه اجتماعی برای گروههای محروم متهم است . هر سه نویسنده (بورديو و کلمن و پاتنام) به دلیل نادیده گرفتن جنسیت در کارشان مورد انتقاد قرار گرفته اند . هرچند پاتنام در کتاب بولینگ تنها سعی می کند به جنسیت به طور خاص به عنوان عاملی در ایجاد و نزول سرمایه اجتماعی توجه کند اما سخنانش غالباً کلی و فاقد پایه های تفصیلی لازم است . مثلاً از کلمه تسهیل گر برای افرادی که باعث اتفاق افتادن پدیده ها در اجتماع می شوند و یا گپ زن برای مشارکت کنندگان در پیوندهای اجتماعی غیر رسمی استفاده می کند . که اولی را در بین مردان و دومی را در بین زنان بیشتر می

بیند و سرآخر نتیجه می گیرد که زنان سرمایه داران اجتماعی مشتاق تر نسبت به مردان هستند (پاتنام ، ۲۰۰۰: ۵-۹۴).

کلمن و بوردیو تا حد زیادی نسبت به جنسیت بی توجه می باشند . هر سه نویسنده را می توان به دلیل توسعه مفهومی نسبتاً مشابه از سرمایه اجتماعی نقد کرد . راهکارهای آنان حداقل در سه زمینه بیش از حد مشابه یکدیگرند. : ۱. غالباً پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی را دست کم می گیرند . کلمن سرمایه اجتماعی را کاملاً خیرخواهانه می بیند . پاتنام وجه منفی بسیار سطحی برای این نوع سرمایه قائل است . بوردیو نیز فقط این وجه را مخصوص طبقه محروم می بیند . ۲. رویکردهای پایه ای بیشتر غیر تاریخی هستند از جمله بوردیو که غالباً تحقیقات تجربی اش بیشتر منوط به دهه ۱۹۶۰ میلادیست و یا کلمن و پاتنام که قائل به افزایش و کاهش حجم سرمایه اجتماعی در طول زمان هستند و معتقد به تغییر اجزا و نتایج آن و درگیر شدن همه افراد با پیامدهای آن نیستند .

۳. تمایزی بین انواع مختلف سرمایه اجتماعی قائل نیستند (فیلد ، ۱۳۸۶ : ۷۱) . از میان این سه نویسنده ، رویکرد کلمن دارای بیشترین پتانسیل برای تولید بینشهای جدید نسبت به رفتار سیاسی و اجتماعی است . کار پاتنام علاوه بر اینکه موجب مردمی شدن و انتقال این مفهوم به مخاطبان جدید گردیده دارای ریشه ای آشکار در شواهد تجربی بوده است . کار بوردیو تا حدی محدود تر از کاربرد کلمن و پاتنام است اما دین او نسبت به نومیاریسیسم شناختی قوی از اتصال بین سرمایه و قدرت (چیزی که تا حد زیاد مورد بی اعتنائی پاتنام و کلمن بود) به دست می دهد .

کلمن اهمیت زیادی برای انواع خاصی از سرمایه اجتماعی و خانواده به طور خاص قائل است و نقش شبکه های سست را کم اهمیت می شمارد . این راهبرد او نه تنها هنجار نیست بلکه حتی ممکن است متهم به خوش بینی و ساده اندیشی شود . پاتنام نسبت به کلمن توجه بسیار بیشتری را جلب منابعی نمود که از طریق پیوندهای سست انباشت می شوند و از طریق سازمانهای ساخته شده ای چون انجمنهای اعتباری

چرخشی واجتماعات آوازخوانی ایجاد می گردند و همچنین نسبت به کلمن به نقش کلیسا و خانو اده نگاه محدودتری دارد.

وی برخلاف کلمن به صراحت تبیینی را که تونیس بین اجتماع ارگانیک (کمین شناخت) و سازمان اجتماعی ارائه داده است و همچنین نتیجه گیری وی مبنی بر اینکه مدرنیته دشمن مدنیت است را رد می کند و برعکس می گوید که مطالعات وی درباره ی جنوب ایتالیا نشان داده است غیر مدنی ترین نواحی ، دقیقا روستاهای سنتی هستند (پاتنام، 1993: ۱۱۴). اما در خصوص شباهتها و تفاوتهای پاتنام و توکویل می توان گفت مطالعه ای که پاتنام درباره ی ایتالیا انجام داد گرایش وی را به توکویل نه تنها در شکل ذهنی بلکه در دو شاخص از چهار شاخص وی جهت اندازه گیری مشارکت اجتماعی یعنی زندگی انجمنی و روزنامه خوانی در کنار الگوهای ترجیح رای و تعداد رای دهندگان نشان می دهد.

او همچنین مانند توکویل به انجمن های مدنی تمایل دارد اما به هراسهایی که توکویل درباره ی انحراف از جوامع دموکراتیک به سوی استبداد دارد ، معتقد نیست . ضد اتوپیای پاتنام بیشتر جامعه ای از تماشاگران ثابت و هوسران تلویزیون است که ویژگی شان بی علاقگی سیاسی و بی توجهی به سایر افراد است و در آن با جرم و فقر مقابله نمی شود و فرصت برای کسب ثروتمندی اقتصادی در دراز مدت ناامید کننده است (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۷)

دیدگاههای فمینیستی تبیین انحراف زنان :

فمینیسم همانند مارکسیسم و پست مدرنیسم حوزه بی نهایت گسترده نظریه پردازی اجتماعی است که کاربردهایی برای حوزه ی جرم شناسی دارد. اگرچه این مسأله هیچ وجه کانون توجه عمده ای نیست، همراه با اختلاف نظر ها و سایه روشنهایی از معانی در درون آن شاخه ها وجود دارد. نوشته های اولیه ی فمینیستی در جرم شناسی انتقادهایی بود که استدلال می کردند شماری از موضوعهای مرتبط با زنان مجرم به طور عمده ای نادیده گرفته شده یا به شدت در درون جرم شناسی سنتی تحریف شده است. (کلین، علت شناسی

جرم زنانه، ۱۹۷۳ و اسمارت، زنان، جرم و جرم شناسی، ۱۹۷۶) برای نمونه نظریه های جرم شناسی سنتی به طور عمده از تبیین رفتار مجرمانه زنان ناتوان بودند و فقط شمار اندکی از این نظریه ها متوجه این موضوع بودند. ولی آنها ساده انگارانه بود و به تصویرهای کلیشه ای از زنان متکی بودند. در حقیقت بیشتر نظریه های جرم شناسی به هیچ وجه متوجه این موضوع نبودند (لئونارد، زنان، جرم و جامعه، انتقادی بر نظریه ی جرم شناسی، ۱۹۸۲ و تافین، جرم زنانه، ساخت بندی زنان در جرم شناسی، ۱۹۸۷). افزون بر آن بیشتر نظریه های جرم شناسی سنتی به طرز چشم گیری نسبت به جنسیت خنثی بودند. یعنی هم در مورد مردان اعمال می شدند و هم درباره ی زنان و بنابر این تفاوت های زنان و مردان را در دست یابی آنان به جرم را تبیین نمی کردند. هنگامی که سرشت جنسیتی جرم مورد توجه قرار گرفت (یعنی اینکه مردها بیشتر جرمها را مرتکب می شو ند) نظریه ها به ویژگی مفروض توجه کردند که به طور ضمنی بر فرودستی زنان دلالت کرده و فرودستی آنها را نسبت به مردان در جامعه بزرگتر تقویت می کردند. همچنین نظریه های جرم شناسی سنتی از توجه به راه های متفاوت برخورد نظام عدالت کیفری با زنان ناتوان بودند (چاپمن، واقعیت های اقتصادی و مجرم زن، ۱۹۸۰ و دیستمن و اسکارپیتی، زنان، جرم و عدالت، ۱۹۸۰ و فینمن، زنان در نظام عدالت کیفری، ۱۹۸۶) برای نمونه زنانی که به جرم های جنسی متهم بودند در مقایسه با مردانی که به همین جرم ها متهم بودند، اغلب شدیدتر برخورد می شد. ولی با زنانی که به جرم های خشونت بار متهم بودند نسبت به مردان، اغلب با ملایمت بیشتری برخورد می شد. تفاوت در برخوردها به تفاوت هایی در میزان رسمی جرم منجر شد (برای نمونه، میزان بالاتر جرم های جنسی ولی پایین تر جرم های خشونت بار) که آن وقت تبیین نظریه های جرم شناسی از مجرمیت زنان را تحت تاثیر قرار داد سرانجام اینکه هیچ یک از نظریه های موجود جرم شناسی به نقش های جدیدی که به زنان در جامعه بزرگتر بر عهده گرفته اند به عنوان بخشی از آنچه بعدها «آزادبخشی» زنان نام برده شد، توجه ای نکردند و همچنین به این مسئله که چگونه نقش های جدید ممکن است دست یازی زنان در فعالیت مجرمانه را تحت تاثیر قرار دهد. منتقدانی که این مشکلات را در مورد جرم شناسی سنتی یادآوری کردند دنباله رو کتابی بودند که در زمینه زنان و جرم در سال ۱۹۷۵ منتشر شد (ولد و دیگران ۳۶۹، ۱۳۸۰-۳۶۸). آدلر و سیمون در کتاب خواهران م جرم

پیدایش زنان مجرم جدید، رشد و افزایش جنایت زنان را در ایالات متحده در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با رهایی و آزادیشان در ارتباط مستقیم دانسته و چنین استنباط کرده اند که نهضت زنان دیدگاه های سنتی را در رابطه با رفتار های مقبول برای زنان تغییر داده و راهگشای فرصت هایی برای زنان گشته که قبلا غیر قابل دسترسی بودند (Chesney lind & shelden, 1997, p.96) آدلر چنین استدلال می کند که به موازات اینکه زنان از نقش های اجتماعی سنتی خانه نشینی دور شده و به سوی دنیای بازار رقابتی که پیشتر به طور عمده مردانه بودند روی می آورند، پرخاشگری و رقابتی تر می شود. در حقیقت آدلر بر این باور بود که زنان هنگامی که همان مبارزاتی را انجام دادند که مردان همیشه انجام داده بودند آنچه را کیفیات مردانه بودند پذیرفتند. وی استدلال کرد که دگرگشت مشابهی در میان مجرمان در حال رخ دادن است آنجا که شمار مشابهی از زنان مصمم به زور می خواهند راه خود را به سوی جرم های مهم بکشانند (همان) به قول آدلر همچنان که زنان در زمینه های اجتماعی شغلی و اقتصادی از مزایایی بهره مند گشته اند به همین ترتیب به طور قرینه به پیشرفتهایی نیز در زمینه جنایی نائل شده اند. در نتیجه زنان با قبول نقشهای مردانه به کارهای مجرمانه هم می پردازند وی استدلال می کرد که در حال حاضر شمار فزاینده ای از زنان وجود دارند که از اسلحه و چاقو استفاده می کنند و به دنبال فرصت هستند تا خودشان را به عنوان انسان کامل به اثبات برسانند که همانند هر مرد دیگری قادر به بروز خشونت و پرخاشگری هستند سمپسون استدلال کرد آن دگرگونی به آن دلیل نبود که زنان ویژگی های مردانه پیشین را پذیرفته اند، بلکه هنگامی که آنان از نقش های سنتی خانه نشینی فاصله گرفته اند با چند گونهی بسیار گسترده تری از فرصت ها برای ارتکاب جرم روبرو شدند. این مسئله به ویژه در مورد فرصتهای ارتکاب جرم های اقتصادی و یقه سفید مصداق دارد که نیازمند دسترسی به پول دگر مردمان در موقعیتهای مبتنی بر امانت گذاری است ادلر و سیمون هر دو بر این استدلال بوده اند که رهایی از نقش های سنتی زنان به افزایشهایی در جرم ارتكلیبی این زنان منجر خواهد شد. تفاوت عمده نظریه این دو در مورد پیش بینی نوع جرم ارتكابی این زنان مجرم بود. نظریه آدلر حاکی از این بود بخش بزرگی از این جرم خشونت بار خواهد بود در حالی که سیمون معتقد بود این جرم بیشتر در حوزه ی جرم علیه اموال و مالکیت یقه سفید خواهد بود. پس از نوشته های آدلر و

سیمون نوشته های جرم شناختی که به تبیین دست اندرکاری زنان در ارتباط جرم توجه کرده بودند به گونه شگفت انگیزی توسعه یافت. پرداختن به مسئله زنان و جرم با فعالیت بنیادین اسمارت (۱۹۷۷) آغاز شد و از سوی لئونارد (۱۹۸۲) هریسون (۱۹۸۵) موریس (۱۹۸۷) تافین (۱۹۸۷) ادامه یافت.

این متون به تعدادی مسائل مشترک پرداخته اند، از جمله برجسته کردن حضور زنان در علم جرم شناسی، نشان دادن رابطه زن با جرم به عنوان قربانی نه مرتکب، شناخت جرم به عنوان فعالیتی که محصول سلطه مردان است و از تفاوت های ژنتیکی حاصل شده و نه اختلافات جنسیتی. با وجود این بسیاری از این متون ابتدا تمایل داشته اند که به مسئله زن و جرم به عنوان موضوعی مستقل در جرم شناسی بپردازند (گیدنز ۱۳۷۷، ۱۹۶). تفکر فمینیستی به چند شاخه ی مشخص تقسیم می شود که هر کدام از آن ها اثر متفاوتی بر جرم شناسی دارند ۱- فمینیسم آزادی خواه ۲- فمینیسم رادیکال یا اصلاح طلب ۳- فمینیسم مارکسیستی سوسیال ۴- فمینیسم پسامدرن

الف) دیدگاه فمینیسم لیبرال (آزادخواه) :

این دیدگاه بیشترین تاثیر از نظر قدمت بر مطالعات جرم شناسی دارد. تحقیقات نشان داده است مسائلی از قبیل نوع جرم، شرایط زندگی (خانه و خانواده) و رفتار شخصی از عواملی هستند که در تعقیب زنان از سوی نظام عدالت کیفری سهیمند. (walklate, 1998, p.43) در حقیقت زنان بزهکار برای جرائم مرتبط با پایگاه اجتماعی، خصوصا هنگامی که سکس مطرح می باشد با مجازات شدیدتر یا به عبارتی با برخورد شدیدتری از سوی نظام مواجه می شوند و این در حالی است که گروه ما معتقدند در دادگاه ها با زنان به ملایمت رفتار می شود. چنین ادعاهای ضدونقیضی به مسیر پیچیده ای می انجامد که در آن عواملی چون سن، طبقه اجتماعی، نژاد، وضعیت ازدواج و مسایل جزایی روی هم اثر متقابل می گذارند.

ب) دیدگاه فمینیستی رادیکال :

این دیدگاه علت بزهکاری زنان را در، پدر سالاری (مرد سالاری) می بیند. این نظریه پردازان معتقدند زنان و مردان نه تنها در موقعیت های متفاوتی قرار گرفته اند بلکه این تفاوت ها با نابرابری هایی نیز همراه

است. دیگر اینکه این نابرابری ها نه تنها از تفاوت ساختمان زیستی و شخصیتی، بلکه از سازمان اجتماعی سرچشمه می گیرد و سرانجام اینکه هر چند زنان از نظر استعداد دو ویژگی های فطریشان ممکن است تا اندازه ای با مردان تفاوت داشته باشند اما این تفاوت طبیعی چندان اهمیت ندارد که بتوان آن را مبنای نابرابری زن و مرد قرار داد به عقیده این نظریه پردازان هم مرد و هم زن بران شکوفایی و تحقق اهدافشان نیاز به آزادی عمل دارند اما ساختمان اجتماعی قدرت به آنها اجازه نمی دهد که مانند مردان آزادانه این نیاز طبیعی را برآورده ساخته و درصدد تحقق استعدادهایشان برآیند (Frazer, 1997, p.173-174). این نظریه پردازان معتقدند که زنان علاوه بر نابرابر بودن و تفاوت داشتن با مردان تحت ستم نیز قرار دارند یعنی تحت تابعیت تحمیل سوء استفاده و بدرفتاری مردان به سر می برند و این ستم هاناشی از قدرتی است که مردان جامعه در چارچوب نظام پدر سالاری بر زنان اعمال می کنند و پدر سالاری نیز بیشتر ساختار قدرتی است که با نیت عمومی وقوی ابقا می شود در واقع تفاوت ها و نابرابری های جنسی فرآورده های پدرسالاری هستند اعمال خشونت علیه زنان و استثمار آنها به وسیله مردان سبب می شود که زنان قربانی از خانه گریخته یا به استعمال مواد مخدر روی آورند و در نهایت خشونت مردان زنان را به درگیری به سیستم عدالت نشانده و به سمت بزهکاری سوق می دهد (Cesney lind & shelden, 1997, p.97-98)

دیدگاه فمینیسم مارکسیسم :

این دیدگاه معتقد است که تا توجه به اینکه در سیستم سرمایه داری مردان زنان را در دو عرصه اقتصادی و بیولوژیک کنترل می کنند، این در حاشیه بودن مضاعف توضیحی است بر اینکه چرا در یک جامعه کاپیتالیست زنان کمتر از مردان مرتکب جرم می شوند و محبوس شدن آنها در خانه فرصت کمتری را برای مداخله در جرایم سطح بالا برایشان فراهم می کند و نداشتن قدرت سبب می شود که زنان به سوی جرایم کم اهمیت مانند حمل مواد مخدر و فحشا کشنده شوند. (Ibid:97) برخی از فمینیست های مارکسیستی یک دیدگاه ابزارنگار از حقوق جزا را فرض می گیرند که در آن قانون به عنوان ابزار مستقیم بیدادگری مردان توصیف می شود در حالی که دیگران یک دیدگاه ساختاری پیچیده تر را اتخاذ می کند که به الگوهای کلی توجه دارد که از طریق آنها قانون نظام پدر سالاری را در دراز مدت حفظ می کند بر حسب

این دیدگاه سرخوردگی و عصبانیتی که زنان در گرفتار شدن در این نقش های اجتماعی محدود کنند ه احساس می کنند یکی دیگر از علت های مجرمیت آنها است.

دیدگاه فمینیست سوسیالیستی :

کارلن (۱۹۹۰) با در نظر گرفتن رفتار قانون شکنانه خاص زنان، به دو محدودیت عمده در چنین تلاشهایی اشاره می کند وی نخست عنوان می کند که با تمرکز انحصاری بر رفتار قانون شکنانه زنان می توان فرض کرد که زنان به دلایلی اقدام به نقض قانون می کنند که از بنیان با دلایل مردان متفاوت است. دوم آنکه زمانی که رفتار مجرمانه زن و مرد در بافت های مشخص تاریخی و اجتماعی بررسی می شود مفاهیم تفسیری که حاصل می شود به سرعت با موضوعاتی چون نژاد طبقه اجتماعی و امپریالیسم ترکیب می شود تا موضوعاتی چون جنسیت و مانند آن. کارلن به گونه ای افراط آمیز ادامه میدهد زنانی که در زندانند کسانی هستند که رفتار مجرمانه اشان تحت تاثیر سه عامل نژاد روابط جنسی و طبقه اجتماعی شکل گرفته و نقش هیچ یک به نسبت دیگری تقلیل پذیر نیست در نظر کارلن همه ی آنها مرتبط شدن مناظراتی در خصوص زن و جرم در موضوعات وسیعتری از عدالت اجتماعی می شود. آن چه بیش از همه در کارها ی فرضیه ای ماژوراسمیت و کارهای گسترده کارلن در خصوص زنان و مردان زندانی شگفت آور است، طریقی است که این دو نویسنده ساختار های ذهنی خود را طبق آن سازمان داده اند به طوریکه برای درک ماهیت بزهکاری ما را از مسیر مباحث جرم شناختی خارج می کند. (کسن، ۳۷۴، ۱۳۷۴-
(۳۷۳) و (Bartollas, 1999, p, 211-21; walklate, 1998, p. 74)

دیدگاه فمینیستی پسامدرن :

به طور خلاصه سوالات اصلی فمینیستها در خصوص انحراف زنان بدین صورت است که :

۱- آیا نظریات انحرافات اجتماعی را می توان در مورد هر دو جنسیت به کار برد ؟

۲- علل رقم پایین تر جرم و خیانت در میان زنان چیست؟ در پاسخ به سوال اول فمنیست‌ها معتقدند که نظریه های انحراف اجتماعی تحت تاثیر اندیشه مرد سالارانه نوشته شده است و مخاطب آن اصولاً مجرمان مرد هستند و این نظریه ها در مورد مجرمان زن مصداق نمی یابد. برای مثال نظریه ی آنومی مرتن که تاکید دارد در ساخت فرهنگی تناقض میان اهداف و شیوه های دستیابی به آن وجود دارد باعث می شود میل مردان به اندوختن ثروت زیاد باشد در حالی که در مورد زنان مصداق نداشته، زیرا زنان در جامعه پدرسالار به شکل دیگری جامعه پذیر شده اند و به طور سنتی کمتر به موفقیت پولی علاقه دارند و برعکس بیشتر به ارضای عاطفی خود از طریق روابط شخصی علاقه مندند. دیگر اینکه زنان در جامعه ی کنونی فرصتهای شغلی بیشتری در اختیار داشته و به همان ترتیب میزان جاه طلبی بالاتری نیز می یابند و حتی اگر فرصت قانونی برای دستیابی به موفقیت مالی را داشته باشند کمتر امکان دارد که مرتکب جرم شوند سرانجام اینکه آمار نشان می دهد به رغم اینکه زنان فرصتهای کمتری برای دستیابی به موفقیت مالی دارند و موفقیت مالی پدیده ایست که در بیشتر جوامع به خصوص جامعه ی آمریکایی طبق نظر مرتن مورد تاکید زیاد قرار دارد، ولی عملاً زنان آمار پایینتری در جرائم دارند. در پاسخ به سوال دوم هگن معتقد است ارقام جنایت میان زنان بسیار پایینتر از مردان است. زیرا زنان در دسترسی به پاداشها در نظم قشربندی محدودترند.

مردان بیشتر در صحنه ی اجتماعی یعنی جهان کار حضور دارند و برعکس زنان بیشتر در صحنه حوزه ی خصوصی یعنی زندگی خانوادگی حاضرند و نتیجه این محدودیت این است که زنان کمتر امکان ارتکاب جرائم را دارند. فرض هگن این است که هر چه نظارت اجتماعی غیر رسمی کاهش یابد و قوانین بیشتری برای کنترل رفتار به شکل رسمی پدید می آید.

به همین دلیل در جوامع مدرن شهری قوانین نظارت اجتماعی رسمی بیشماری نوشته شده اند که بیشتر در مورد مردان به اجرا گذارده می شود. از نظر رابطه میان جنسیت و جرم هگن قضیه های ذیل را پیشنهاد می کند: ۱- نظارت رسمی رابطه ی معکوس با نظارت خانوادگی دارد. ۲- زنان بیش از مردان تحت نظارت غیررسمی واقع می شوند. ۳- مادران بیش از پدران عامل اجرای نظارت غیر رسمی بر فرزندان هستند. ۴-

دختران بیش از پسران مورد نظارت غیر رسمی واقع می شوند . این قضایا نشان می دهد که چون زنان در خانواده ها با محدودیتهایی بیشتر مواجهند امکان ارتکاب جرم برایشان کمتر است و موضوع مهم دیگر چگونگی جامعه پذیری دختران است . کودکان نسبت به نقش‌های پدر و مادر در خانواده بسیار حساسند و بزودی پسران می آموزند که نقش پدر یا مردانه را سرمشق خود قرار دهند و بر عکس دختران نقش زنانه مادر را نمونه رفتار خود در نظر می گیرند سرانجام اینکه به عقیده ی هگن :

۱- زنان کمتر از مردان از خطر کردن استقبال می کنند و تعریف خطر جنبه ی منفی برایشان دارد . ۲- درگیری در کج رفتاری و جنایت برای زنان بیش از مردان بار منفی دارد ۳- احتمال شرکت زنان در رفتارهای کجرو کمتر از مردان است ۴- مردان بیش از زنان مورد نظارت رسمی قرار می گیرند . ۵- حتی اگر رفتار کجرو را یک متغیر مستقل در نظر بگیرییم مردان بیش از زنان مورد نظارت رسمی قرار خواهند گرفت . هگن از طریق یک تحقیق پیمایشی قضیه های ذکر شده را به اثبات می رساند . مبتنی بر اینکه هرگاه مساله ی نظارت غیررسمی مطرح باشد چه پدران و چه مادران این نظارت را در مورد دختران خود بیش از پسران اعمال می کنند برای مثال اینکه چه زمان بیرون از منزل هستند با چه کسانی معاشرت می کنند . چه میزان آزادی رفتار دارند . حتی مادران بیش از پدران رفتار خود را کنترل می کنند .

بنابراین در این تحقیق هگن می کوشد که نقش جامعه پذیری را در ارتباط با جنسیت به جرم و جنایت مرتبط سازد و نتیجه گیری می کند که در واقع زنان بیش از مردان جامعه پذیرند و هنجارها و ارزشهای اجتماعی را درونی می سازند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۰)

سوء رفتار جنسی و فرار دختران و زنان :

در مطالعاتی که بر روی زنان خیابانی انجام شد مشخص شد که حدود ۶۰ درصد آنها در نوجوانی و جوانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند . مطالعه ی پیشینه ی زندگی زنان بالغ زندانی اهمیت رابطه قربانی بودن در دوران کودکی و حرفه جنایی بعدی آنان را نشان می دهد . بسیار از آنان بعدها با مشکلات اعتیاد دست به گریبان می شوند (Chesney lind &shelden, 1997, P.34-35) بسیاری از زنان جوان که در

خیابانها پرسه می زنند قربانی سوء استفاده جنسی در خانه هایشان هستند بیشتر اوقات ایشان برای بقا برخلاف میلشان وارد کارهای خلاف میشوند. (معظمی، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۷)

جنسیت و جرم:

جرم شناسانی که پدیده بزهکاری زنان را در نژادهای متفاوت و در سنین مختلف با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی، تاریخی مورد بررسی قرار داده اند همگی اذعان دارند که تعداد زنان بزهکار به نسبت مردان مجرم در تمام کشورهای جهان خیلی کمتر است. در بررسی نوع جرائم ارتكابی زنان توجه به موارد زیر حائز اهمیت است: ۱. میزان سن: با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها نسبت بزهکاری زنان با مردان در سنین مختلف متغیر است. ۲. موقعیت زمان: نسبت بزهکاری زنان در سنین مختلف با توجه به موقعیت زمان نیز تغییر می یابد.

۳. موقعیت مکانی: تعداد بزهکاران مونث و نوع جرائم ارتكابی آنان در کشورها، مناطق مختلف، شهرها و روستاها و حتی در محله های یک شهر متفاوت است. نوع جرائمی را که دختران و زنان در سنین مختلف در امریکا مرتکب می شوند با نوع جرائم ارتكابی زنان و دختران هم سن و سال آنان در کشورهای ژاپن و پاکستان و یا در یک قبیله افریقایی و یا برزیلی متفاوت است. (دانش، ۱۳۶۶: ۹۹-۹۷)

جرائم زنان:

مطالعات نشان می دهد که زنان به نسبت مردان سهم کمتری را در پدیده ی مجرمانه دارند. همچنین تفاوت های آشکاری میان انواع جرایمی که مردان و زنان مرتکب می شوند دست کم آنگونه که در آمار رسمی نشان داده شده است، وجود دارد. جرایم زنان به ندرت متضمن خشونت بود و تقریباً همه کوچکند سرقت های کوچک و تخلفات مربوط به برهم زدن نظم عمومی مانند فحشا نمونه ای از جرایم زنان است. یکی از خصوصیات ممتاز بزهکاری در زنان نقشی است که در جرائم خاص که در امریکا به جرائم اجتماعی تعبیر شده است، دارند. قسمت اعظم بزهکاری زنان را فرار دختران از خانه یا مدرسه (۱/۱۶ درصد دختران با ۱۶ درصد پسران)، عدم اطاعت از والدین (۶/۹۲ درصد دختران در مقایسه با ۶/۸۹ درصد پسران) و نقض

دستورهای والدین در مورد رفت و آمد به منزل تشکیل می دهد ، (همان :۸۱) در مطالعاتی که اخیراً به وسیله ویدام انجام شده است . بیان شده که قربانیان اذیت و آزار جنسی و فیزیکی در دوران کودکی اکثراً همانهایی هستند که در دوران جوانی به دلیل روسپگیری دستگیر می شوند . در مقابل جوانانی که چنین سابقه ای نداشته اند ، کمتر به این دلیل بازداشت شده اند . نتیجه مشابهی هم از تحقیق بر روی زنان جوانی که از خانه فرار کرده بودند یا زنان بدون سر پناه در این مورد به دست آمده یعنی زنان فراری و بدون سر پناه ، اکثر همانهایی بودند که در کودکی مورد اذیت و آزار جنسی و فیزیکی قرار گرفته بودند (همان : ۸۲). اغلب زنان جوانی که در خیابانها رها هستند در بسیاری از مواقع جرم را فقط به خاطر بقای خودشان و اینکه زنده بمانند مرتکب می شوند در حالیکه هیچگونه اصراری نسبت به ارتکاب اعمال خلافی که مرتکب می شوند ندارد (یعنی به اجبار مرتکب جرم می شوند) (همان :۸۴)

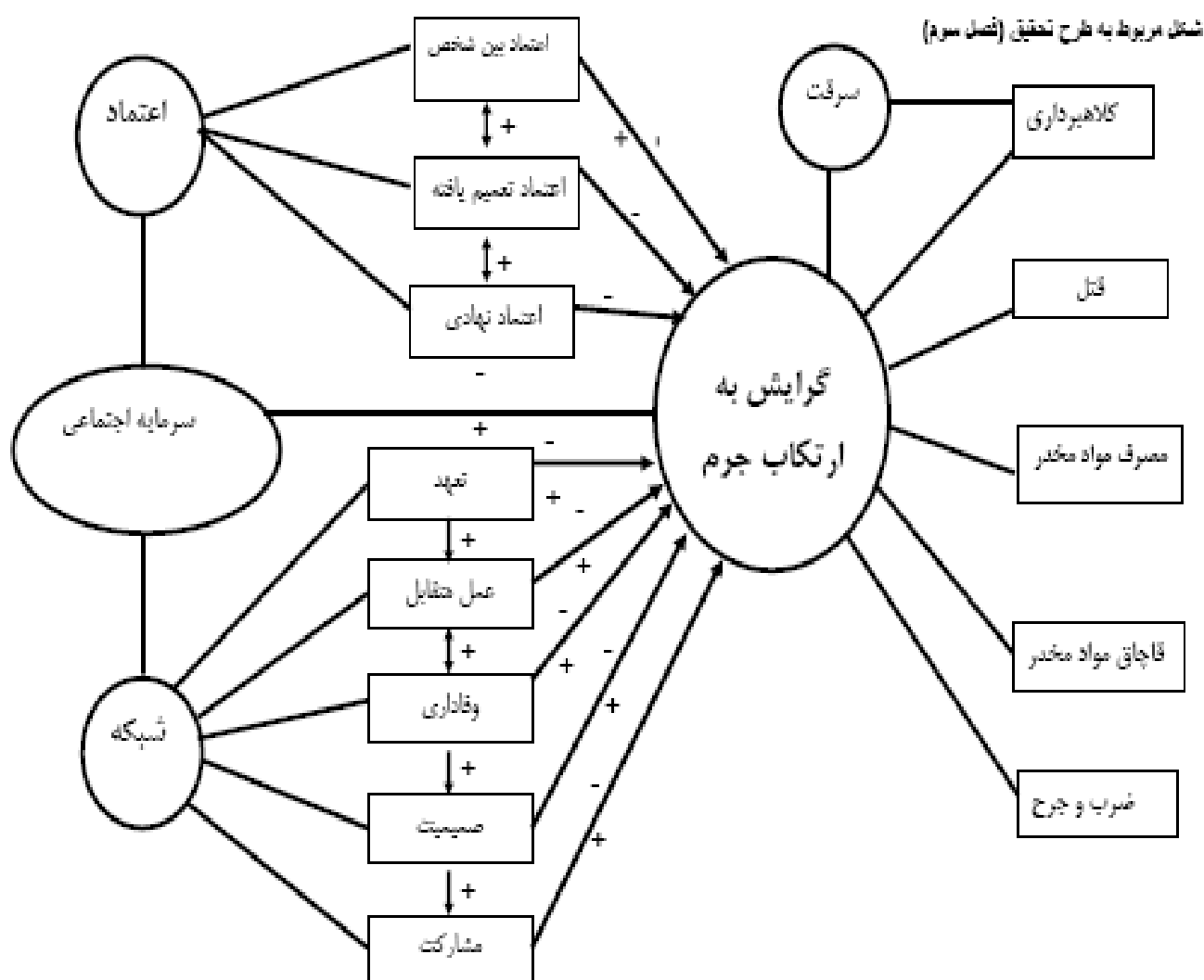
علل جرائم زنان:

لمبروزو می گوید: رابطه‌ی جسمانی و روانی جرم در زنان کمتر از مردان است و تعداد جانی بالفطره در میان آنان کمتر است و میزان محکومیت زنان به مراتب از مردان کمتر است . به عقیده‌ی وی این قضیه معلول چهار علت می‌باشد:

۱. زنان اصولاً از لحاظ زیستی محافظه کارترند و علت این محافظه کاری را باید عدم تحرک یاخته های ماده،
 ۲. نقش اجتماعی زنان در مقایسه با مردان فرق می کند.
 ۳. مسأله‌ی چه، کار زن بیشتر در خانه انجام می شود در حالیکه مردان در خارج از خانه فعالیت می کنند.
 ۴. انتخاب همسر نیز از عوامل مؤثر است زیرا ازدواجهای نامناسب نیز یکی از علل انحرافات زنان است .
- غشای مغز زنان فعالیت کمتری دارد و وجود عوامل محرومیت زان نیز نه تنها گاهی زنان را نیز به بزهکاری سوق می‌دهد، بلکه سبب پیدایش عوارض روانی و هیستیریک و مشکلات جنسی در زنان می‌شود. به عقیده-ی وی زنان بزهکار نقص اخلاقی ندارند بلکه بیشتر تحت تأثیر تلقین و وسوسه‌های غیر قابل اجتناب منحرف می‌شوند. از طرف دیگر زنان بیش از مردان متسی القلب و حسابگر و شیطان صفت هستند وی معتقد است،

زن جنایتکار بالفطره نادرست ولی اگر زنی به راه بزهکاری افتاد، خیلی شقی خواهد بود . یکی از عوامل بزهکاری زنان حس انتقام و بی آنهاست و این حس از کینه و نفرتی پدید می آید که به عوامل جنسی و حسادت زنانگی بستگی دارد(همان: ۳۹-۴۱)

مدل تحقیق:



فصل چهارم

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و از ابزار گردآوری داده‌ها از طریق تکنیک‌های پرسشنامه و مصاحبه، جهت گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری ساده (تصادفی ساده) استفاده می‌گردد و جامعه آماری شامل زنان منطقه ۳ بوده است، که بر اساس داده‌های اعلام شده از سوی سازمان ۵۳۰۰ نفر گزارش شده‌اند.

نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر و روش نمونه‌گیری:

زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی منطقه ۳ تهران می‌باشد که از طریق خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند.

حجم نمونه:

حجم نمونه در این پژوهش تمام ۴۰۰ نفر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران بوده و جامعه آماری تمام ۵۳۰۰ نفر زنان سرپرست خانوار که تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران هستند می‌باشد.

n: حجم نمونه = فاصله اطمینان **d**

$$n = \frac{NT^2.Pq}{ND^2 + p^2.pq}$$

N: جامعه آماری

T: ضریب اطمینان ۹۵٪

P,q: احتمال وجود و عدم وجود صفت معین در نمونه مورد نظر

روشهای آماری:

در این پژوهش از امارهای توصیفی و تحلیلی نظیر: مد، میانه، نما، فی، χ^2 کرامر، t استیودنت، رگرسیون و جداول معناداری و نیز با استفاده از نرم افزار SPSS جهت توصیف و تبیین و تحلیل و پایش داده های آماری استفاده می گردد.

آمار توصیفی:

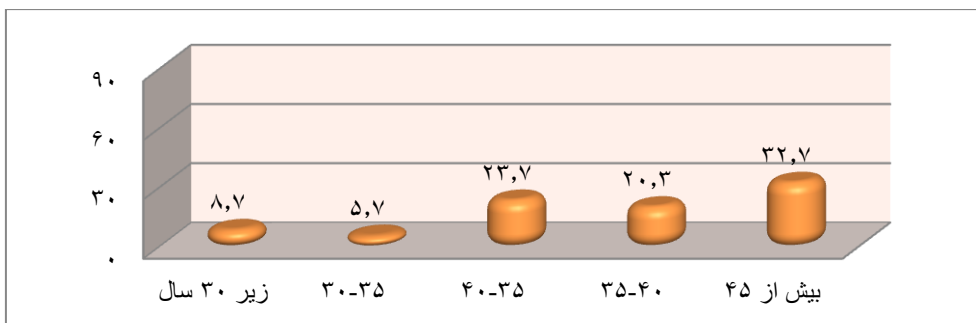
در این بخش از تجزیه و تحلیل آماری به بررسی چگونگی توزیع نمونه های آماری از حیث متغیرهایی همچون؛ جنسیت، سطح تحصیلات و ... می پردازیم.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروههای سنی

شاخص			گروههای سنی
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
9.5	8.7	26	زیر ۳۰ سال
6.2	5.7	17	۳۰-۳۵
26.0	23.7	71	۳۵-۴۰
22.3	20.3	61	۳۵-۴۰
35.9	32.7	98	بیش از ۴۵
100.0	91.0	273	مجموع
	9.0	27	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۲,۷ درصد بین بیش از ۴۵ سال و کمترین درصد با ۵,۷ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال بوده اند.

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروههای سنی

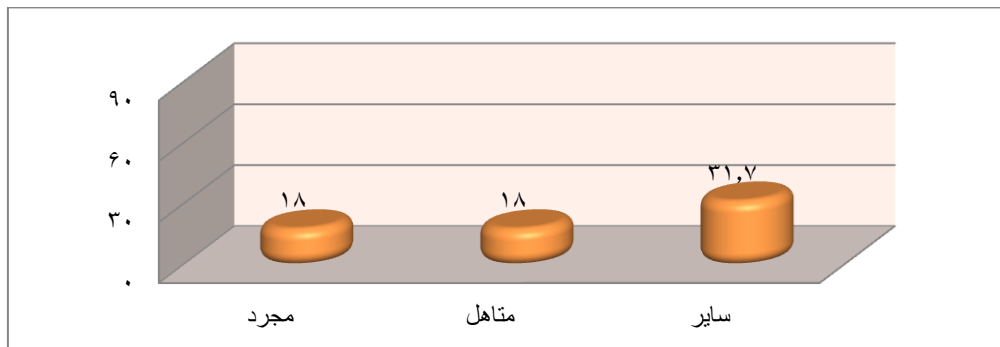


جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

شاخص			وضعیت تاهل
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
26.6	18.0	54	مجرد
26.6	18.0	54	متاهل
46.8	31.7	95	سایر
100.0	67.7	203	مجموع
	32.3	97	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، وضعیت تاهل ۱۸ درصد از پاسخگویان به تفکیک مجرد و متاهل و ۳۱,۷ درصد سایر وضعیت را داشته اند.

نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

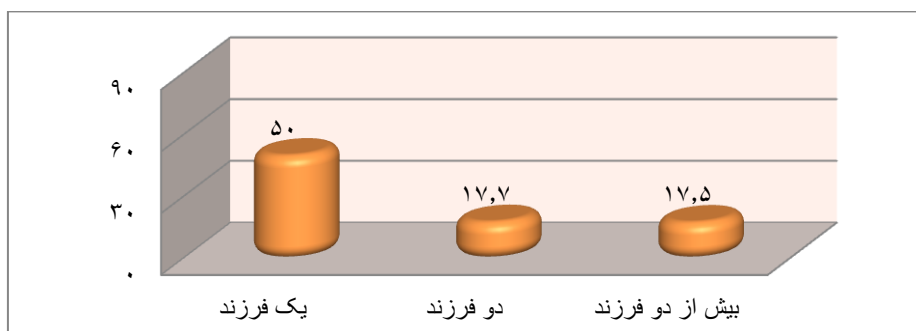


جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان

شاخص			تعداد فرزندان
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
58.8	50.0	150	یک فرزند
20.8	17.7	53	دو فرزند
20.6	17.5	52	بیش از دو فرزند
100.0	98.7	۳۷۹	مجموع
	15.0	45	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، بیشترین درصد از پاسخگویان با ۵۰ درصد یک فرزند و کمترین درصد با ۱۷٫۵ درصد بیش از دو فرزند را داشته اند.

نمودار شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان

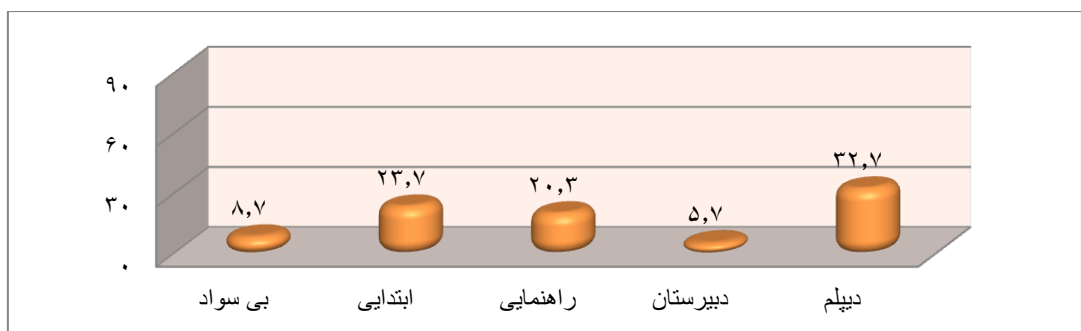


جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

شاخص			میزان تحصیلات
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
9.5	8.7	26	بی سواد
26.0	23.7	71	ابتدایی
22.3	20.3	61	راهنمایی
6.2	5.7	17	دبیرستان
35.9	32.7	98	دیپلم
100.0	91.0	273	مجموع
	9.0	27	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، تحصیلات بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۲,۷ درصد دیپلم و کمترین درصد با ۵,۷ درصد دبیرستان بوده است.

نمودار شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

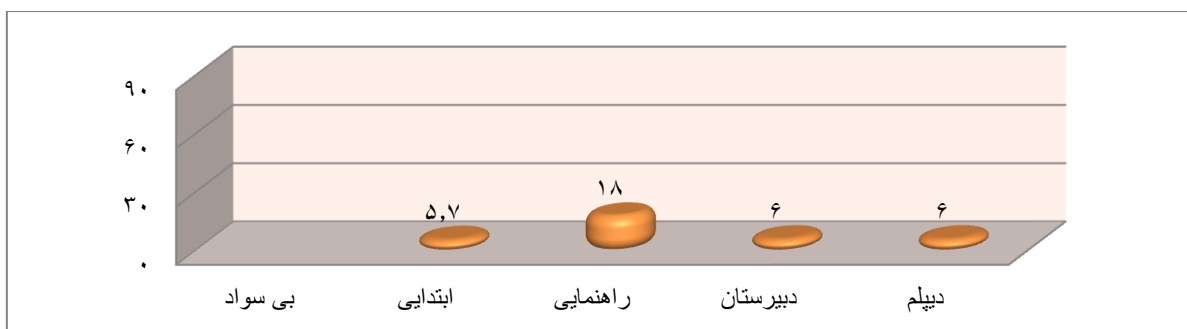


جدول شماره ۵ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر

شاخص			میزان تحصیلات همسر
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
			بی سواد
15.9	5.7	17	ابتدایی
50.5	18.0	54	راهنمایی
16.8	6.0	18	دبیرستان
16.8	6.0	18	دیپلم
100.0	35.7	107	مجموع
	64.3	۱۹۳	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، تحصیلات زنان سرپرست خانوار بیشترین درصد از پاسخگویان با ۱۸ درصد راهنمایی و کمترین درصد با ۵,۷ درصد ابتدایی بوده است.

نمودار شماره ۵ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر

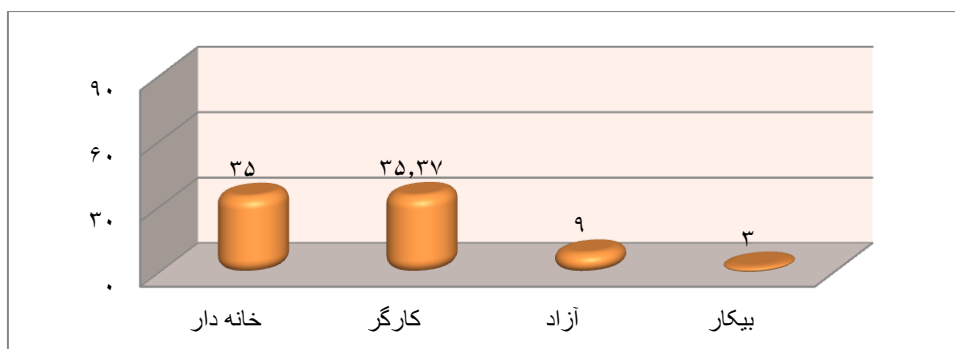


جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع شغل

شاخص			نوع شغل
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۴۲,۳	۳۵	۱۰۵	خانه دار
43.2	۳۵,۳	107	کارگر
10.9	9	27	آزاد
۳,۶	۳	9	بیکار
100.0	82.7	۲۴۸	مجموع
	17.3	52	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، شغل بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۵,۳ درصد کارگر و کمترین درصد با ۹ درصد آزاد بوده است. درصد مربوط به سایر پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است.

نمودار شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع شغل

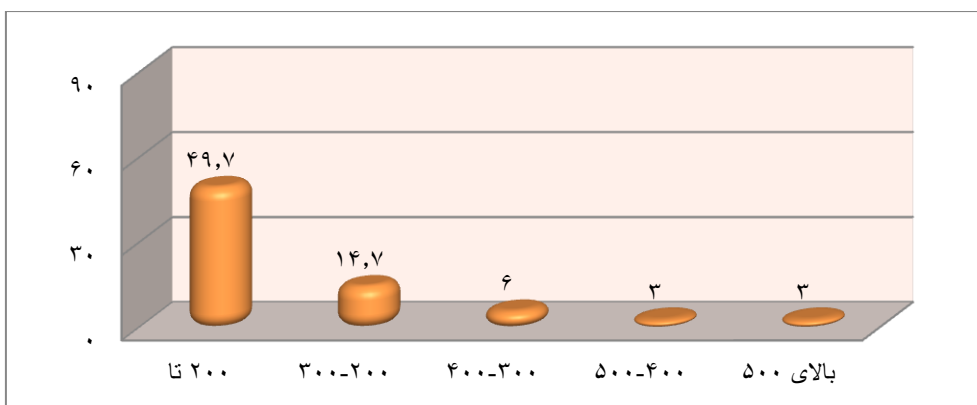


جدول شماره 7: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهیانه

شاخص			میزان درآمد ماهیانه به تومان
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
60.3	49.7	149	تا 200 هزار
17.8	14.7	44	200-300 هزار
7.3	6.0	18	300-400 هزار
3.6	3.0	9	400-500 هزار
3.6	3.0	9	بالای 500 هزار
100	82.3	247	مجموع
	17.7	53	بی پاسخ
	100	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، میزان درآمد ماهیانه بیشترین درصد از پاسخگویان با 49,7 درصد 200 تا و کمترین درصد با 3 درصد بالای 400 هزار تومان بوده است. درصد مربوط به سایر پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است.

نمودار شماره 7: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهیانه



جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه والدین (طلاق، ازدواج مجدد ، مصرف مشروبات

الکلی ، بیماری یا معلولیت ، سابقه زندان ، اعتیاد)

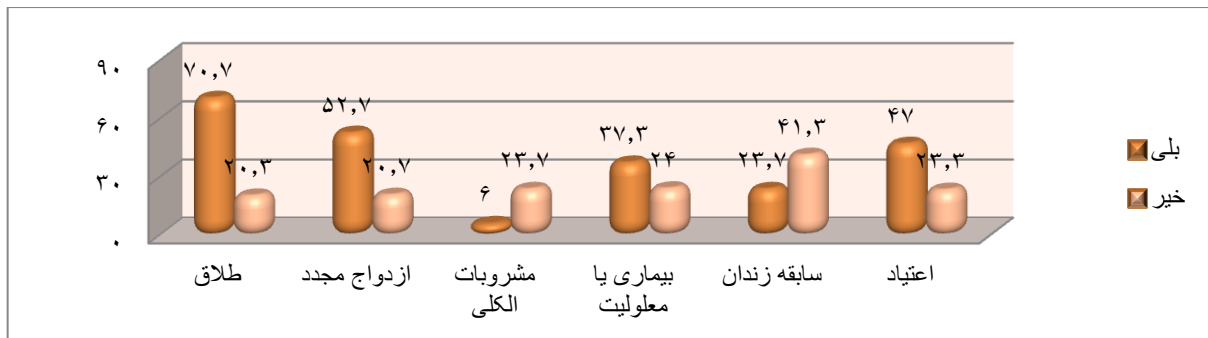
اعتیاد			سابقه زندان			بیماری یا معلولیت			مشروبات الکلی			ازدواج مجدد			طلاق			سابقه والدین
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	شاخص
66.8	47.0	141	36.4	23.7	71	58.0	37.3	112	20.2	6.0	18	71.8	52.7	158	77.7	70.7	212	بلی
33.2	23.3	70	63.6	41.3	124	37.3	24.0	72	79.8	23.7	71	28.2	20.7	62	22.3	20.3	61	خیر
100.0	70.3	211	100.0	65.0	195	4.7	3.0	9	100.0	29.7	89	100.0	73.3	220	100.0	91.0	273	مجموع
	29.7	89		35.0	105	100.0	64.3	193		70.3	211		26.7	80		9.0	27	بی پاسخ
	100.0	300		100.0	300		35.7	107		100.0	300		100.0	300		100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، والدین بیشترین درصد از پاسخگویان با ۷۰,۷ درصد

دارای سابقه طلاق و کمترین درصد با ۶ درصد از مشروبات الکلی استفاده می کرده اند. درصد مربوط به سایر

پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است.

نمودار شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه والدین

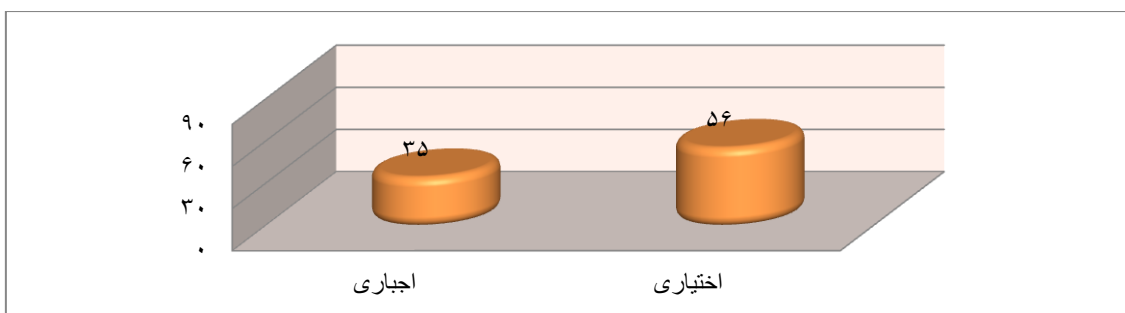


جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع ازدواج

شاخص			نوع ازدواج
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
38.5	35.0	105	اجباری
61.5	56.0	168	اختیاری
100.0	91.0	273	مجموع
	9.0	27	بی پاسخ
	100.0	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، نوع ازدواج بیشترین درصد از پاسخگویان با ۵۶،۰ درصد اختیاری و کمترین درصد با ۳۵ درصد اجباری بوده است.

نمودار شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع ازدواج

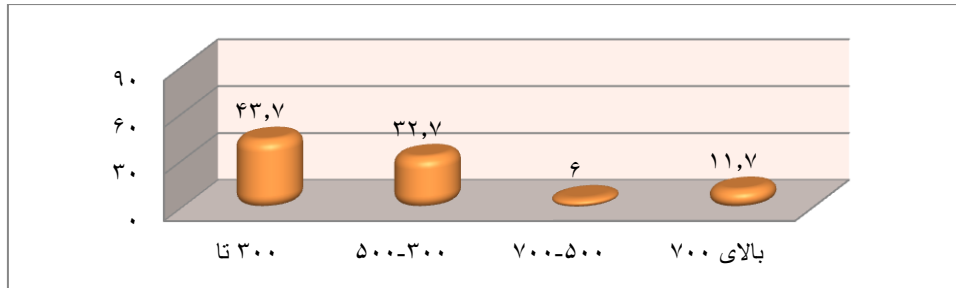


جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پول مورد نیاز طی یک ماه

شاخص			پول مورد نیاز طی یک ماه
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
46.4	43.7	131	تا ۳۰۰ هزار
34.7	32.7	98	۳۰۰-۵۰۰ هزار
6.4	6	18	۵۰۰-۷۰۰ هزار
12.4	11.7	35	بالای ۷۰۰ هزار
100	94	282	مجموع
	6	18	بی پاسخ
	100	300	جمع کل

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، میزان پول مورد نیاز طی یک ماه بیشترین درصد از پاسخگویان با ۴۳٫۷ درصد تا ۳۰۰ هزار و کمترین درصد با ۶ درصد ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بوده است . درصد مربوط به سایر پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است .

نمودار شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پول مورد نیاز طی یک ماه

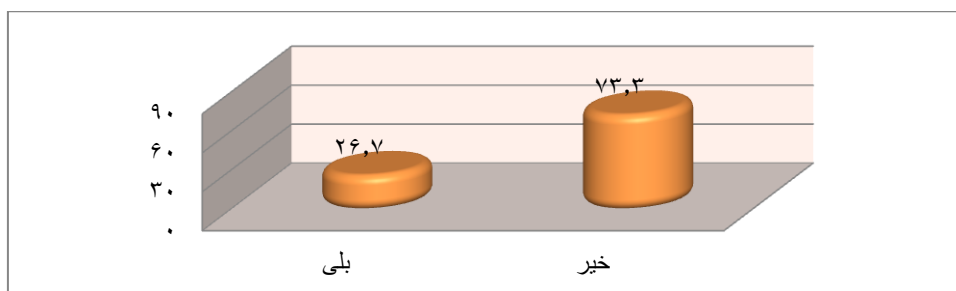


جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجود سایر هزینه های زندگی (مثلاً کلاسهای فوق برنامه، مدارس غیر انتفاعی)

شاخص			سایر هزینه های زندگی
درصد معتبر	درصد	فراوانی	
26.7	26.7	80	بلی
73.3	73.3	220	خیر
100.0	100.0	300	مجموع

همانطور که جدول بالا و نمودار زیر نشان می دهد، ۷۳,۳ از پاسخگویان سایر هزینه های زندگی از قبیل کلاسهای فوق برنامه، مدارس غیر انتفاعی نداشته اند.

نمودار شماره ۱۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجود سایر هزینه های زندگی (مثلاً کلاسهای فوق برنامه، مدارس غیر انتفاعی)



آزمون نرمال بودن برای شاخص ها

H₀: داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H₁: داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا ۰,۰۵ باشد فرض صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا ۰,۰۵ باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول : آزمون نرمال داده ها

ضریب همبستگی استفاده شده جهت آزمون	توزیع متغیر	p-value	متغیر
پیرسون	نرمال است	۰,۰۱۹	تعامل
پیرسون	نرمال است	۰,۰۱۰	اعتماد اجتماعی
پیرسون	نرمال است	۰,۰۶۵	شبکه اجتماعی
پیرسون	نرمال است	۰,۰۸۵	گرایش به جرم

جدول ۱۲: ضریب همبستگی میان سرمایه اجتماعی با گرایش به اعتیاد

گرایش به اعتیاد	سرمایه اجتماعی		
.306(*)	1	همبستگی	سرمایه اجتماعی
.041		سطح معنی داری	
300	300	تعداد	
1	.306(*)	همبستگی	گرایش به اعتیاد
	.041	سطح معنی داری	
300	300	تعداد	

چون مقدار سطح معنی داری 0.041 می باشد و کوچکتر از مقدار خطا 0.05 می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان سرمایه اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد.

$$(r = 0.306 \text{ و } n=300 \text{ و } P < 0.05)$$

H_0 : داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H_1 : داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض صفر را نتیجه می گیریم و در

صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱۳: ضریب همبستگی میان اعتماد اجتماعی با گرایش به اعتیاد

گرایش به اعتیاد	اعتماد اجتماعی		
.417(**)	1	همبستگی	اعتماد اجتماعی
.002		سطح معنی داری	
300	300	تعداد	
1	.417(**)	همبستگی	گرایش به اعتیاد
	.002	سطح معنی داری	
300	300	تعداد	

چون مقدار سطح معنی داری 0.002 می باشد و کوچکتر از مقدار خطا 0.01 می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان اعتماد اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد.

$$(r = .417 \text{ و } n=300 \text{ و } P < .01)$$

H_0 : داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H_1 : داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض صفر را نتیجه می گیریم و در

صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱۴: ضریب همبستگی میان شبکه اجتماعی با گرایش به اعتیاد

گرایش به اعتیاد	شبکه اجتماعی		
.091	1	همبستگی	شبکه اجتماعی
		سطح معنی داری	
		تعداد	
300	300	همبستگی	گرایش به اعتیاد
		سطح معنی داری	
		تعداد	
1	.091	همبستگی	گرایش به اعتیاد
		سطح معنی داری	
		تعداد	
300	300	همبستگی	گرایش به اعتیاد
		سطح معنی داری	
		تعداد	

چون مقدار سطح معنی داری 0.354 می باشد و بزرگتر از مقدار خطا 0.05 می باشد پس فرض صفر را نتیجه می گیریم. میان شبکه اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود ندارد.

$$(r = .091 \text{ و } n=300 \text{ و } P > 0.05)$$

H_0 : داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H_1 : داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱۵: ضریب همبستگی میان تعامل با گرایش به روسپیگری

گرایش به روسپیگری	تعامل		
.574(**)	1	همبستگی	تعامل
		سطح معنی داری	
		تعداد	
300	300	تعداد	گرایش به روسپیگری
		همبستگی	
		سطح معنی داری	
1	.574(**)	تعداد	گرایش به روسپیگری
		سطح معنی داری	
		تعداد	
300	300	تعداد	گرایش به روسپیگری
		سطح معنی داری	
		تعداد	

چون مقدار سطح معنی داری 0.000 می باشد و کوچکتر از مقدار خطا 0.01 می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان تعامل با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد

$$(r = .574 \text{ و } n=300 \text{ و } P < 0.01)$$

H_0 : داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H_1 : داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر در صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱۶: ضریب همبستگی میان اعتماد اجتماعی با گرایش به روسپیگری

اعتماد اجتماعی	گرایش به روسپیگری
اعتماد اجتماعی	گرایش به روسپیگری
همبستگی	1
سطح معنی داری	-.477(**)
تعداد	300
گرایش به روسپیگری	اعتماد اجتماعی
همبستگی	1
سطح معنی داری	-.477(**)
تعداد	300

چون مقدار سطح معنی داری 0.00 می باشد و کوچکتر از مقدار خطا 0.01 می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان اعتماد اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد.

($r = .477$ و $n=300$ و $P < 0.01$)

H_0 : داده ها نرمال است (داده ها از جامعه نرمال آمده اند)

H_1 : داده ها نرمال نیست (داده ها از جامعه نرمال نیامده اند)

اگر صورتی که مقدار سطح معنی داری کوچکتر از مقدار خطا 0.05 باشد فرض یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱۷: ضریب همبستگی میان شبکه اجتماعی گرایش به روسپیگری

گرایش به روسپیگری	شبکه اجتماعی		
-0.214(*)	1	همبستگی	شبکه اجتماعی
		سطح معنی داری	
		تعداد	
0.018			
300	300		
1	-0.214(*)	همبستگی	گرایش به روسپیگری
		سطح معنی داری	
		تعداد	
	0.018		
300	300		

چون مقدار سطح معنی داری 0.018 می باشد و کوچکتر از مقدار خطا 0.05 می باشد پس فرض یک را

نتیجه می گیریم. میان شبکه اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد

$$r = -0.214 \text{ و } n=300 \text{ و } P < 0.05$$

فصل پنجم

نتیجه گیری و پیشنهادات

جمع بندی:

از آنجایی که متغیرهای جمعیت شناختی در بخش آمار استنباطی به عنوان مبنای دسته بندی داده ما استفاده شده است، لذا در این جهت آشنایی بیشتر با نمونه آماری به صورت اجمالی، به آن می‌پردازیم.

بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۲,۷ درصد بین بیش از ۴۵ سال و کمترین درصد با ۵,۷ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال بوده اند.

، وضعیت تاهل ۱۸ درصد از پاسخگویان به تفکیک مجرد و متاهل و ۳۱,۷ درصد سایر وضعیت را داشته اند.

بیشترین درصد از پاسخگویان با ۵۰ درصد یک فرزند و کمترین درصد با ۱۷,۵ درصد بیش از دو فرزند را داشته اند.

تحصیلات بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۲,۷ درصد دیپلم و کمترین درصد با ۵,۷ درصد دبیرستان بوده است.

تحصیلات زنان سرپرست خانوار بیشترین درصد از پاسخگویان با ۱۸ درصد راهنمایی و کمترین درصد با ۵,۷ درصد ابتدایی بوده است.

شغل بیشترین درصد از پاسخگویان با ۳۵,۳ درصد کارگر و کمترین درصد با ۹ درصد آزاد بوده است . درصد مربوط به سایر پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است.

میزان درآمد ماهیانه بیشترین درصد از پاسخگویان با ۴۹,۷ درصد ۲۰۰ تا و کمترین درصد با ۳ درصد بالای ۴۰۰ هزار تومان بوده است. درصد مربوط به سایر پاسخگویان به تفکیک در جدول بالا و نمودار زیر موجود است.

در خصوص فرضیه میان شبکه اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد . چون مقدار سطح معنی داری ۰.۰۱۸ می باشد و کوچکتر از مقدار خطا ۰.۰۵ می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان شبکه اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد . در خصوص فرضیه میان

اعتماد اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد. چون مقدار سطح معنی داری ۰.۰۰۰ می باشد و کوچکتر از مقدار خطا ۰.۰۱ می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان اعتماد اجتماعی با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد.

در خصوص فرضیه میان تعامل با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد. چون مقدار سطح معنی داری ۰.۰۰۰ می باشد و کوچکتر از مقدار خطا ۰.۰۱ می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان تعامل با گرایش به روسپیگری رابطه معنا داری وجود دارد.

در خصوص فرضیه میان شبکه اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود ندارد. چون مقدار سطح معنی داری ۰.۳۵۴ می باشد و بزرگتر از مقدار خطا ۰.۰۵ می باشد پس فرض صفر را نتیجه می گیریم. میان شبکه اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود ندارد.

در خصوص فرضیه میان اعتماد اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد. چون مقدار سطح معنی داری ۰.۰۰۲ می باشد و کوچکتر از مقدار خطا ۰.۰۱ می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان اعتماد اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد.

در خصوص فرضیه میان تعامل با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد. چون مقدار سطح معنی داری ۰.۰۴۱ می باشد و کوچکتر از مقدار خطا ۰.۰۵ می باشد پس فرض یک را نتیجه می گیریم. میان تعامل با گرایش به اعتیاد رابطه معنا داری وجود دارد.

محدودیت های تحقیق :

از جمله ضعف های این نوع تحقیقات عبارتند از اینکه عمدتاً مبتنی بر مبنای نظر سنجی از افراد انجام می شوند و در تعمیم نتایج حاصله به جامعه باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

نتایج تحقیق حاضر با توجه به ویژگی های نمونه آماری خود حاصل شده است، لذا در تعمیم نتایج این تحقیق به جوامع با فرهنگها، اوضاع سیاسی و اقتصادی و ویژگی های جمعیت شناختی متفاوت باید جانب

احتیاط را رعایت کرد. زیاد بودن تعداد شاخصها در مدل مفهومی تحقیق نیاز به بررسی آن در نمونه آماری با حجم بیشتر را ضروری می سازد. قطعاً اینگونه تحقیقات در نمونه آماری بزرگتر به نتایج محکمتری دست خواهد یافت. به هر حال با توجه به محدودیتهای پیش رو، محقق تمام سعی خود را در جهت بالا بردن دقت و کیفیت تحقیق حاضر به کار برده است.

پیشنهادهات :

۱- پیشنهاد می شود، دوره های مختلف آموزش و کارگاه های آموزشی برای کلیه زنان سرپرست خانوار در جهت تغییر زندگی برای پیش گیری از ابتلا آنان به جرایم در زمینه ی ارائه راهبرد نهایی در جهت تغییر سبک زندگی برگزار گردد.

۲- پیشنهاد می شود، در جهت بالا بردن سطح آگاهی و مطلوب نمودن سبک زندگی زنان سرپرست خانوار به منظور شناخت بیشتر خود و داشتن زندگی سالم و پربار به ایجاد برنامه های آموزشی در رسانه های همگانی بالاخص تلویزیون اقدام گردد.

۳- پیشنهاد می شود، در جهت مطلوب نمودن سبک زندگی زنان سرپرست خانوار به حمایت اجتماعی آنها اقدام گردد. به ویژه برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده و دوستان و سایر .

- ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا(۱۳۸۳)، توسعه ی روستایی با تأکید بر جامعه ی روستایی ایران .
- آلبرو، مارتین (۱۳۸۰)، مقدمات جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ اول .
- آلن پرفیت(۱۳۷۸)، پاسخهایی به خشونت، ترجمه مرتضی محسنی، کتابخانه گنج دانش انتشارات مشعل با همکاری نشر رودکی.
- الوانی، سید- و امیر علی نقوی ، (۱۳۸۱)، سرمایه ی اجتماعی : مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران .
- انصاری، محمد (۱۳۸۳)، سرمایه ی اجتماعی چیست؟، تهران، هفته نامه منشور، شماره ۱۷ .
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰)، سرمایه ی اجتماعی و مدیریت شهری و فصلنامه ی مدیریت شهری، شماره ۷
- بوردیو، پی یر، (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویایی، تهران، شیرازه .
- بوردیو، پی یر (۱۳۸۰)، نظریه کنش، مرتضی — ، تهران، انتشارات نقش و نگار .
- بوردیو، پی یر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، برگرفته از کتاب سرمایه ی اجتماعی به کوشش کیانی تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، نشر شیراز، چاپ اول .
- بیکر، جی .اس، (۱۳۸۲) سرمایه ی اجتماعی و مدیریت، ترجمه مهدی الوانی ، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی .
- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، سلام .

- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۴) جامعه برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی در کتاب سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد و دموکراسی و توسعه ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- پرادل، ژان (۱۳۷۲)، تاریخ اندیشه‌های کیفی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیشه، ژان (۱۳۶۹)، مهاجرت روستائیان، ترجمه محمود مؤمنی کاشی، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- تئودار و مایکل (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر سازمان برنامه و بودجه، چاپ چهارم.
- توسلی، غلام عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، دانشگاه تهران.
- توسلی، غلام عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۱) فضای کنش، ابزار تنظیمی در نظریه سازی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱، شماره ۱، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- چلبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۲.
- دوبوار، سیمون، جنس دوم، ترجمه حسین مهری، تهران: انتشارات قدس
- دورکیم، امیل (۱۳۴۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

- دورکیم، امین، (۱۳۶۹) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، کتاب سرا.
- ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۰)، سرمایه ی اجتماعی، تعاریف، ابعاد و پیامدها، تهران.
- شادی طلب، ژاله، زنان ایران، انتظارات ارتقاء یافته، ماهنامه اندیشه جامعه، بهمن ۱۳۷۹، ۵.
- شیخاوندی، د. (۱۳۵۰)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات، چاپ آموزشگاه خدمات اجتماعی
- صادقی، پرویز (۱۳۴۷)، حقوق و اجتماع، انتشارات دانشگاه تهران و چاپ جدید، ۱۳۸۲، انتشارات طرح نو
- عبداللّهی آرانی، مصعب (۱۳۸۳)، «کارکردهای سرمایه ی اجتماعی»، هفته نامه منشور، شماره ۱۷.
- غفاری، غلامرضا و نازمحمد اونق (۱۳۸۵)، «سرمایه ی اجتماعی و کیفیت زندگی» «مجله ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره پول، شماره ۱».
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۶۷)، آسیب شناسی و جامعه شناسی انحرافات، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) —نظم، سرمایه ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جهان امروز.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴) سرمایه ی اجتماعی و جامعه ی مدنی در کتاب سرمایه ی اجتماعی، اعتماد : دموکراسی و توسعه ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیراز.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم و بررسی سرمایه ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان

- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، بولینگ یک نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۲

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تشریفی چاپ اول

- کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی، برگرفته از کتاب سرمایه‌ی

اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، نشر شیراز، چاپ اول

- کازینو، ژان (۱۳۶۴)، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، انتشارات امیر کبیر

- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات

سمت

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۴۶)، علوم جنایی، انتشارات دانشگاه تهران

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۲)، عوامل اجتماعی طلاق، قم: مطبوعات دینی

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۴)، مبانی جرم‌شناسی، سه جلد، انتشارات دانشگاه تهران.

- گابریل مانسیس، ژان، فحشاء و واسطه‌گری، ترجمه فروغ شهاب، سازمان نشر فرهنگ.

- گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۰، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد ژوئن ۲۰۰۰.

- گسن، ریموند (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر، مترجم.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- معتمدی مهر، مهدی (۱۳۷۸)، حمایت از زنان در برابر جرائم خشونت آمیز در سیاست جنایی انگلیس، پلیان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- نجفی ابرند آبادی، حسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۷۶)، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی .

- Barnett, hothers (۱۹۹۷) family violence across the span: anincrodution- sage publication, London

- Bortollas, clement (1999), juvenile delinquency, Allyn Bacop

- Browne, A. (1987),whenbattered. Women kill, the free press

- complelle, A.(1981) girldelinqvents, New York: st. martinpress

- Chesney lind m. and eda and N. ridigveg (1983), women under lock and key, prison jovrnal 63:47-65

- Chesney lind, veda & randall G. shelden(1997) girls delingvency and juvenile jusice, west/wasdsworth

coleman, J. S (1990). "fomdat--- of social (theory)", combridge, MA: Harvard university press.

Dynes, Russell, 2002, "R,2002,The importance of social copitak in disaster response", university of Delaware, disaster researchcenter.

- edei brock (1980), running away from home: Incidence and correlates amony children and yovth referred for mental services jovrnal of family lssves 1:2000,228

- Firestone shvlamith (1971), The Dialectic of sex, London, paladin

- Gibbons, O. And M.J Girswold (1957), sex differences among juvenile court referrals sociology and social research, 42:106-119
- Good (1997), force and violence in the family, journal of marriage family, vol.3, No.4
- Karmen, Andrew (1995) Crims, wads, worth third edition
- Leautve (1972), criminologie cressence penitenciere, P.V.F. Morris. A. (1987), women, crime and criminal justice, 24: Oxford: Basil Blackwell
- Roberts, A.R. (1987), runaways and non runaways, Chicago: Dorsey press

Poppe, J. (2000), "social capital and social capital (Indicators)", university of Adelaide, pp 109

Portes, A (1998) "social capital, Its origins and Application in modern sociology, Vol:4

- Putnam, R.D. (1995). "Bowling Alone: Americas Declining Social capital" journal of Democracy, pp. 65-78

- Sevner, T. (2001) The complementary Roles of Human and social capital Canadian Journal of Rural sociology, Vol:60, No:363-80

- Stone, W. (2001). "measuring social capital" Australian Institute of Family Studies, No:24, ISSN: 1440-4701

- Siegel, Larry, E.H. & D.R. Cressey (1978), Criminology, Philadelphia: Lippincott. Or: Sutherland, E.H et D.R. Cressey, 1966, principles of criminology, p.124

- Smart- Carol (1977), women, and criminology, London, Routledge and

keganpaul.

- winter, N. (2003) social capital, ---- Engagement And positive rooth
development ----- policy studies Associates, Washington. PP.1-8

- wolcock, M. (2001) "social capital capitalin undertstanding social and
economic out coms. I ---- Canadian hovrnal of policy Research 2(1) pp. 11-17